

# اسناد تجاري

## در قلمرو حقوق تجارت بين الملل

### ديدگاههاي پيمان ژنو 1930

دکتر بهروز اخلاقي

#### 1

#### کليات

1. گردش اسناد تجاري<sup>1</sup> و جريان بين المللي آنها، به ويژه در مورد برات،

---

1. منظور از «اسناد تجاري»، معني و مفهوم خاص آن است که در حقوق اکثر کشورها مصاديق معينی را مثل برات، سفته و چك دربرمي گيرد. پيمانهاي ژنو نیز به حل و فصل مسائل اسناد تجاري به معني خاص توجه داشته است. موضوع این مقاله به «برات و سفته» اختصاص دارد. از آنجا که چك ماهيت حقوقي و آثار و احكام خاص خود را دارد، از اينرو مشمول پيمانهاي بين المللي چندجانبه جداگانه اي شده است و بر این اساس، مسائل آن مي تواند به تنهائي طي مقاله ديگري مورد نقد و بررسي قرار گيرد. براي اطلاع از مفهوم عام و خاص اسناد تجاري در حقوق ايران رجوع شود به:

– دکتر عبدالمجيد زنگنه: **حقوق بازرگاني**، چاپ دوم، ص 221.

– دکتر حسن ستوده تهراني: **حقوق تجارت**، جلد سوم، ص 2.

– دکتر مرتضي نصيري: **مقدمه بر اسناد بازرگاني**، جزوه پلي کپي شده دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، ص 1.

– و براي بررسي حقوق تطبيقي رجوع شود به مقاله نگارنده: «**بختي پيرامون مفهوم اسناد تجاري**»، **نشريه دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران**،

دائماً موجب بروز تعارض قوانین می‌شود. حقوق بین‌الملل خصوصی طی قرن‌ها، و پیمان‌های بین‌المللی چندجانبه ناظر به متحدالشکل کردن یا وحدت حقوقی اسناد تجاری طی نیم قرن اخیر، تا حدی بهترین راه‌حلها برای پاسخگویی به این مشکلات بوده است.

پیمان ژنو مورخ 7 ژوئن 1930 معروف به قانون متحدالشکل ژنو عمدتاً این هدف بزرگ را دنبال کرده است. پاره‌ای از این تعارضات در کنوانسیون دوم مورخ 7 ژوئن 1930 حل و فصل گردیده و پاره‌ای دیگر به اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی ارجاع داده شده است.

هرچند پیمان‌های بین‌المللی در اجرا محدود بوده و موارد تعارض عدیده‌ای باقی‌گذارده‌اند، معذک نباید از نظر دور داشت که در سطح بین‌المللی، دامنه اجرایی وسیعی دارند. این پیمان‌ها نه تنها در روابط کشورهای متعاقد لازم‌الاتباع هستند، بلکه در سایر کشورها

---

شماره 21، اسفند 1385 و حقوق تجارت 3- اسناد تجاری، سال 68-1367، جزوه درسی از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

که به این پیمانها نپیوسته‌اند، نیز راهگشا می‌باشند.

قانونگذار ایران، در مبحث دوازدهم از فصل اول، باب چهارم قانون تجارت ناظر به قوانین خارجی مصوب 1311 به جنبه بین‌المللی برات توجه داشته و طی مواد 305 و 306 سعی در حل و فصل پاره‌ای از این نوع تعارضات نموده است.

**2.** توسعه روزافزون تجارت بین‌الملل، گردش اسناد تجاری را در صحنه بین‌المللی گسترش چشمگیری داده است که این گسترش لامحاله تعارض به‌وجود می‌آورد. سهولت گردش اسناد تجاری، از ویژگی‌های اساسی این قبیل اسناد است که به بروز تعارض عدیده دامن می‌زند، و برای آنکه تجارت بین‌المللی دچار وقفه و مشکل نگردد، ناگزیر جستجوی راه‌حلهایی را ایجاب می‌کند.

ایجاد وحدت بین نظام‌های حقوقی کشورها که تلاش در حل و فصل تعارض قوانین دارد، در قلمرو اسناد تجاری با مشکلات کمتری روبه‌رو بوده و گرایش عمومی عمدتاً در اکثر کشورهای اروپایی آغاز شده است. اولین تلاشها در اواسط نوزدهم

از ناحیه انگلیسها به عمل آمد و اولین پیشنهاد و طرح يك مقررات متحدالشکل حاکم بر اسناد تجاري را نمایندگان دولت انگلیس به نمایندگان دول حاضر در نمایشگاه جهانی لندن ارائه نمودند. این پیشنهاد و طرح عقیم ماند و متعاقب آن اقدامات دیگری صورت پذیرفت.<sup>2</sup>

**3.** در سال 1910 به پیشنهاد آلمان، کنفرانسی در لاهه تشکیل شد که ماحصل آن به «طرح وقت قانون متحدالشکل»<sup>3</sup> منجر گردید. در سال 1912 نیز میان دولتهای مقتدر وقت، پیمانی در لاهه به امضا رسید که هدف آن وارد کردن «مقررات قانون متحدالشکل» در نظام حقوقی آنها بود.<sup>4</sup>

**4.** این کنوانسیون الهام بخش پیمانهای چندجانبه بین المللی ژنو شد که

---

**2.** برای اطلاع از تفصیل پیشینه تاریخی موضوع رجوع شود به:

- FONTAINE: "De la lettre de change", Bruxelles, 1934.

- ARMINJON et CARRY: "La lettre de change et le billet à order", 1938.

- ARMINJON, "Précis de droit international privé commercial", Dalloz, 1948.

- YNTEMA & BATIZA, "The Law of Negotiable Instruments (Bills of Exchange) in the America".

**3.** Projet provisoire de la loi uniforme.

**4.** برای اطلاع از پیشینه کنفرانس لاهه رجوع شود به:

- M. BERNARD: "Annales de droit commercial", 1910, p. 467

- WAHL: "Bulletin de société d'études législatives", 1911, p. 205.

- JANNE: "Reveu de droit international privé et de législation comparée, 1929, p. 52.

در تاریخ 7 ژوئن 1930، نسبت به بروات و سفته‌ها<sup>5</sup> و در تاریخ 19 مارس 1931 در مورد چکها تحت نظارت عالیه جامعه ملل<sup>6</sup> تنظیم گردید و به امضای دولتهای شرکتکننده در کنفرانس رسید.<sup>7</sup>

به موجب این پیمانها دول طرف قرارداد متعهد شدند مقررات متحدالشکل را در قلمرو حقوق داخلی وارد نمایند. اکنون نه تنها اکثر کشورهای اروپایی عضو این پیمانها هستند،\* بلکه این

---

**5.** Convention de Geneve du 7 Juin 1930 Portant la loi uniforme sur les letters de change et billets a ordre.

- Conventioin de Geneve du 7 Juin 1930 destinee a regler certains conflits en matiere de letters de change et de billets a order.

**6.** Convention de Genève du 19 Mars 1931 portant la uniforme sur les chèques.

- Convention de Genève du 19 Mars destinée à régler certains conflits en matière de chèques.

**7. LOUSSOUARN et BREDIN:** "Droit du commerce international", Sirey, 1969, Nos 440 et s.

- **PERCEROU et BOUTERON:** "La nouvelle législation française et internationale sur la lettre de change, du billet à ordre et du chèque", T. II, 1937.

- **LESCOT et ROBLOT:** "Les effets de commerce", Rousseau & Cie, T. I.

- Comptes rendus de la conférence internationale pour l'unification du droit en matière de la lettre de change, billet à ordre et chèque, publiés par la societe des Nations Unies (Document C. 360 M. 151).

\* . بیست و نه دولت پیمانهای ژنو را امضا کرده اند. بیست دولت از کشورهای امضاکننده، این پیمانها را به تصویب رسانده و مقررات داخلی خود را با آن تطبیق داده اند. که در پایان همین مقاله آمده است.

مقررات عملاً وارد حقوق داخلی برخی از  
ممالک غیراروپایی نیز شده است.<sup>8</sup>

**5.** علی‌رغم اهمیت و وسعت قلمرو  
حاکمیت، مقررات پیمانهای بین‌المللی ژنو  
محدودیت‌هایی نیز دارند: از یک طرف،  
برخی از دول امضاکننده آنها را به  
تصویب نرسانده‌اند،<sup>9</sup> و از طرف دیگر،  
بسیاری از کشورها - مثل ایران - عملاً  
نسبت به این مقررات بی‌تفاوت مانده‌اند.

کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا  
ظاهراً به جهت اختلافات بین و آشکاری که  
میان نظام حقوق اروپایی پیمانهای ژنو و  
نظام حقوق عرفی در مورد اسناد تجاری به  
چشم می‌خورد،<sup>10</sup> و شماری از کشورهای

---

**8.** جمهوری آرژانتین در کنفرانس ژنو شرکت نداشته ولی  
مقررات قانون تجارت این کشور در مورد برات به موجب  
قانون 19 ژوئیه 1963 نسخ و مقررات قانون متحدالشکل ژنو  
جایگزین آن شده است.

**9.** هشت دولتی که پیمانهای ژنو را امضا نموده ولی آنها  
را به تصویب نرسانده‌اند عبارتند از: کلمبیا، اکوادور،  
اسپانیا، مجارستان، پرو، چکسلواکی، ترکیه و یوگسلاوی.  
رجوع شود به:

**R. ROBLOT:** *Traité élémentaire de droit commercial*, T. II, L.G.D.L. 1986, p. 117.

**10.** انگلیس در اواخر قرن نوزدهم چنین تصمیم گرفت که  
نتایج حاصله از رویه قضایی محاکم خود را، در زمینه  
اسناد تجاری، به صورت قانون نوشته درآورد. قانون بروات  
انگلیس مصوب 1882 (Bills of exchange Act. 1882) متضمن قواعد و  
مقرراتی است که تاکنون دستخوش تغییرات عمده‌ای نشده  
است. حقوق انگلیس که ایالات متحده امریکا نیز آن را

امریکای لاتین به جهت ارتباطشان با حقوق امریکایی و برخورداری از یک مقررات متحدالشکل دیگر به نام «پیمان هاوانا»<sup>11</sup> نیازی به ملحق شدن به مقررات پیمانهای ژنو ندیده اند.

**6.** البته نباید نادیده گرفت که مقررات پیمانهای بین‌المللی ژنو، تنوع و موارد اختلاف و تعارض بسیاری را به جا گذارده و اصولاً نسبت به پاره‌ای از مسائل،

---

سرمشق خود قرار داده عملاً دامنه نفوذ بیشتری از حقوق اروپایی یافته است. از همین‌رو انگلیس فقط کنوانسیون ژنو مربوط به تمبر را امضا نموده و آن را به‌موجب قانون 18 مه 1933 به مرحله اجرا درآورده است.

در ایالات متحده امریکا که از نظام حقوق کامن لو پیروی می‌کند، در اثر نفوذ قوانین و مقررات محلی و رویه قضایی ایالت‌های مختلف، به تدریج نظرات و مواضع مختلفی در زمینه موضوع به منصفه ظهور رسید که سهولت گردش اسناد تجاری را در میان ایالت‌های مختلف و سایر کشورها به مخاطره انداخت. به‌منظور چاره‌جویی، یک کنفرانس ملی منعقد به سال 1892 مبادرت به تنظیم قانون اسناد تجاری (Negotiable instruments law) نمود. این قانون از سال 1896 به‌عنوان قانون خاص هر ایالت قدرت اجرایی یافت و متعاقب آن در قانون تجارت متحدالشکل امریکا وارد و توسط کلیه ایالات متحده امریکا به استثنای لوئیزیانا پذیرفته شد. رجوع شود به:

Uniform commercial code, Vol. I Art 3: Commercial papers; **ROBLOT**: op. cit., T. II, p. 117; **LESCOT et ROBLOT**: op.cit., T. I. No.67; **PERCEROU et BOUTERON**: op.cit., T. I, Nos 274 et s.; **YNTEMA et BATIZA**: op. cit., T. I, p. 20.

**11. LOUSSOUARN-BREDIN**: op. cit., p.541; **JOSE ANTONIO CORDIDO FREYTEN**: Les conflits de lois en matière de lettre change dans la convention de la Havana, Thèse, Paris 1954.

مثل طبیعت حقوقی اسناد تجاری، بروات سازشی و ... ساکت است، مضافاً بر اینکه بر این مجموعه حل برخی از مسائل تعارض به حقوق بین الملل خصوصی کشورها احاله می شود.<sup>12</sup>

طبیعی است که تنوع تفاسیر حقوقی و قضائی از مقررات پیمانهای ژنو ممکن است تعارضات جدیدی، که پیمان داعیه حل و فصل آنها را داشته است، در میان کشورها به وجود آورد. از همین روی محاکم برخی از کشورها - مثل دیوان عالی کشور فرانسه - در آرای صادره چنین رأی داده اند که در صورت وجود تفاسیر مختلف از مقررات قانون متحدالشکل ژنو، قواعد تعارض قوانین می تواند راه حل مشکلات باشد.<sup>13</sup>

7. به نحوی که ملاحظه می شود، در کشورهای که پذیرای مقررات متحدالشکل ژنو شده اند، تفاسیر حقوقی مختلفی توسط محاکم داخلی از این متون قانونی به عمل می آید. این امر در نبود یک دادگاه فراملی اختلاف نظرهای قابل توجه و مهمی را در پاره ای از موارد موجب گردیده و

12. LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., No. 446.

13. PAUL LAGARDE: "Les interprétations différents d'une loi uniforme donnent-elles lieu à un conflit de lois?" Revue critique de droit international privé, 1964, p. 235 et s.



محدودیت‌های این نظام وحدت‌آفرین حقوقی را نشان داده است.<sup>14</sup>

ولی مشکل اساسی‌تر در روابط بین‌المللی، تقسیم حقوقی جهان به دو بلوک بزرگ، یکی بلوک تابع کنوانسیون‌های ژنو و دیگری بلوک تحت حاکمیت حقوق انگلیسی - امریکایی، می‌باشد.

**8.** به‌منظور رفع مشکلات و موانع موجود که خواسته دست‌اندرکاران بازرگانی بین‌المللی است، کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل<sup>15</sup> در کنار اسناد تجاری موجود و مقررات بین‌المللی حاکم بر آنها، تلاش در ایجاد طبقه جدیدی از اسناد تجاری بین‌المللی و یک قانون متحدالشکل بین‌المللی دیگر دارد. کمیسیون مذکور برای این مقررات نوین حاکم بر اسناد تجاری، وصف منحصرأً بین‌المللی با جنبه اختیاری قائل شده و تحقیقاتی را در سراسر جهان در میان کلیه دولتهای عضو سازمان ملل متحد و سازمانهای حرفه‌ای تخصصی به‌عمل آورده است. طرح اولیه این مقررات بین‌المللی

**14.** ROBLOT: op. cit., T. II, p. 118; LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., Nos 443; YNTEMA et BATIZA: op. cit.

**15.** United Nations commission on international trade law (UNCITRAL).

در سال 1972 تهیه و تنظیم شده که بدواً مورد نقد و بررسی گروهی محدود از متخصصان و سپس گروه وسیع‌تری قرار گرفته است. امید می‌رود این تلاشها سرانجام به ایجاد وحدت حقوقی کامل‌تری که جنبه فراگیرندگی بیشتر داشته باشد بینجامد و در این زمینه، هماهنگی لازم در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل تحقق پذیرد.<sup>16</sup>

**9.** از مجموع پیمانهای بین‌المللی ژنو، تنظیم‌کنندگان پیمان راجع‌به حل و فصل پاره‌ای از تعارضات قوانین در مورد بروات و سفته‌ها، با پیش‌بینی بروز تعارضات عدیده قوانین، خواسته‌اند به حل و فصل پاره‌ای از این موارد پرداخته، راه‌حلی برای اهم مسائل بیابند.

بنابراین، پیمان راجع‌به حل و فصل پاره‌ای از تعارضات - که در این مقاله از آن با عبارت اختصاری «پیمان ژنو» نام برده می‌شود - قادر به حل و فصل

---

**16.** برای اطلاع از وضعیت طرح جدید پیمان مربوطه بروات و سفته‌های بین‌المللی، رجوع شود به:

- **P. BLOCH:** Le projet de convention sur les lettres de change internationales et les billets à ordre internationaux, Journal de droit international, 1970, 770; **R. ROBLOT:** Une tentative d'unification mondiale du droit: Le projet de la commission des Nations unie pour le droit commercial international (C.N.U.D.C.I.) pour la création d'une lettre de change internationale-Melanges Vincent, 1981, 361.

کلیه موارد اختلاف قوانین نبوده و نیست، زیرا از يك سو فقط تعدادی از دولتهای جامعه بین‌المللی را به هم مرتبط ساخته است و کشورهای عضو نظام حقوقی کامن‌لا از دایره شمول آن خارج مانده‌اند، و از سوی دیگر، پیمان با مقرراتی مشتمل بر 20 ماده، منحصرأ ادعای حل و فصل «پاره‌ای از مسائل تعارض قوانین» را دارد و در آن موضوعات زیادی از قبیل قصد و رضا، جهت و قواعد پرداخت نادیده گرفته شده است.

به‌علاوه ماده 10 پیمان ژنو مشعر بر این است که هر يك از دول متعاهد در دو مورد زیر می‌تواند مقررات پیمان را اعمال نکند:

اول: «در مورد تعهدی که در خارج از قلمرو هر يك از دول متعاهد انجام شده است».

با درج این عبارت، هر يك از دول متعاهد حق دارد از اعمال مقررات در مورد تعهدات به‌عمل آمده در خارج از قلمرو هر يك از دول متعاهد صرف‌نظر کند؛ مثل موردی از برات یا سفته که در قلمرو هر يك از دول متعاهد تنظیم یافته و در

قلمرو دولت غیرمتعاهدي ظهرنويسي شده باشد.

دوم: «در مورد قانوني که به موجب اين اصول، قابل اعمال نسبتبه مورد باشد، ولي قانون قابل اعمال يکي از دول متعاهد نباشد».

ماده 10 فوق که به نحو ناشيانه اي تنظيم يافته است، به يك دولت عضو پيمان اجازه مي دهد در صورتي که قانون قابل اعمال به موجب پيمان نسبتبه دول متعاهد بيگانه باشد، مقررات پيمان را به مرحله اجرا درنياورد و قواعد حل تعارض خود را اعمال نمايد.<sup>17</sup>

10. به نظر برخي از مؤلفان حقوق تجارت بين الملل، نويسندگان پيمان چنين تصور نمودند که با درج ماده 10، دولتهاي بيشتري را به قبول پيمان تشويق خواهند نمود؛ حال آنکه مقررات ماده مذکور واجد چنين اثري نيست، بلکه برعکس، معايب آن اکنون مدتها است که آشکار شده است.<sup>18</sup>

---

17. LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., No. 446.

18. LESCOT et ROBLOT: op.cit., No. 1038; ARMINJONL: op.cit., p. 280; LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., No. 446.

بر این اساس، برخی بر این عقیده اند که استثنای ماده 10 پیمان به دولتهای امضاکننده اختیار می‌دهد پس از این برحسب اینکه اوضاع و احوال مذکور در متن ماده تحقق پذیرد یا نه، دو نظام حقوق بین‌الملل خصوصی داشته باشند.<sup>19</sup>

چنین وضعیتی مانع از بروز مسائل و مشکلات جدید نشده است. باری، نظر به اهمیت این موضوع و کاربرد عملی آن در قلمرو بازرگانی بین‌المللی، طی این مقاله کوشش به عمل آمده است تا دیدگاههای پیمان ژنو درخصوص بروات و سفته‌ها مطرح گردد و به مواضع حقوق تجارت ایران که تاکنون کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، پرداخته شود. اشاره می‌نماید که قواعد حل تعارض قوانین، به‌نحو مذکور در باب چهارم قانون تجارت کشور ما، در مورد بسیاری از مسائل مطروحه، ساکت است و به همین جهت، طرح دیدگاههای پیمان ژنو تا به ثمر رسیدن یک پیمان جدید - که مبتکر آن کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق

---

19. LESCOT et ROBLOT: op. cit., No. 1038.

تجارت بین‌الملل می‌باشد - می‌تواند در رفع موانع و مشکلات موجود راهگشا گردد.

## 2

### اصول کلی راه‌حلهای تعارض

**11.** نارساییهای قانون متحدالشکل ژنو و خلأهای پیمان ژنو راجع به راه‌حلهای تعارض، لامحاله به این نتیجه می‌رسد که برای حل و فصل تعارض قوانین، به اصول کلی قواعد تعارض در حقوق بین‌الملل خصوصی توسل جسته شود.

در وضع فعلی، راه‌حل تعارض قوانین عمدتاً از دو منبع تغذیه می‌شود:

اول: نظام حقوق داخلی قواعد تعارض

دوم: نظام قراردادی

گرایشی که به وحدت حقوق داخلی و حقوق قراردادی وجود دارد، گاه به نفع حقوق داخلی و گاه به نفع حقوق قراردادی، ایفای نقش می‌کند. باید امیدوار بود که این گرایش به نفع حقوق قراردادی، به‌نحو منسجم و مستحکمی پیشرفت نماید.

در قلمرو اسناد تجاری، قواعد تعارض  
به مسائل زیر ارتباط دارد:  
— قواعد تعارض در مورد اعتبار  
تعهدات براتی<sup>20</sup>

**20.** Engagements cambiaires "cambiale" از ریشه لاتین "cambium" در کشورهای غربی است و اصطلاح "cambium manuale" به موردی اطلاق می‌گردد که یک نفر خارجی وقتی وارد کشوری می‌شود، پول کشور خود را با پول رایج آن کشور عوض می‌کند. این اصطلاح بیانگر نوعی عمل تبدیل پول و صرافی به حساب می‌آید.

"cambium trajectium" عبارت از قراردادی بود که به موجب آن طرفی متعهد می‌شد تا برای طرف دیگر مبلغی پول در محلی غیر از محل وعده فراهم کند. کلمه "cambiale" و یا "lettra di cambio" یعنی برات، در حقوق ایتالیا مشتق از همین ریشه لاتینی است و اطلاق عنوان «کمبیاله» به برات در کشورهای عربی یادآور همین ریشه است. "droit cambiale" در حقوق فعلی فرانسه، با استفاده از این ریشه لاتینی شکل گرفته است و حقوق کامبیر در فرانسه، دربرگیرنده اوصاف و ویژگیها، اصول، آثار و احکامی است که بر اسناد تجاری به معنی خاص "les effets de commerce" حکومت دارد.

در حقوق تجارت اکثر کشورها با توجه به قابلیت مبادله و نقل و انتقال اینگونه اسناد: (negotiabilité) و اصل استقلال امضاها (le principe de l'indépendance des signatures) و اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات (le principe de l'innopposabilité des exceptions) و وصف تجریدی آنها (le caractère abstrait)، از حقوق حاکم بر این اسناد، به حقوق کامبیر (droit cambiale) تعبیر می‌کنند. این مفهوم را در حقوق ایران، برخی به «حقوق مبادله‌ای» و برخی دیگر نیز به همین عبارت نام برده‌اند (دکتر ابوالحسن صادقیان: **مطالعه تطبیقی راجع به برات و محل آن**، چاپ حیدری، سال 1340، فصل نهم، ص 46 به بعد؛ دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی: **دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت**، ج 1، ص 419، 938، 1007).

به نظر می‌رسد اطلاق عنوان «حقوق براتی» بیشتر با اوصاف و ویژگیهای اسناد مذکور انطباق داشته باشد. از همین‌رو، برخی از اساتید حقوق تجارت کشور ما تعهد ناشی

— قواعد تعارض در مورد ظهرونیسی  
— قواعد تعارض در مورد اجرای  
تعهدات براتی

## بند اول شرایط اعتبار تعهدات براتی

الف. شرایط شکلی اسناد تجاری و تعهدات  
براتی

12. چنان‌که می‌دانیم یک قاعده مهم و قدیمی در حقوق بین‌الملل خصوصی این است که اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود هستند. این قاعده دارای مبنایی در حقوق رم می‌باشد<sup>21</sup> و در حقوق داخلی اکثر کشورهای جهان حاکمیت دارد. ماده 969 قانون مدنی ایران در این مورد می‌گوید:

---

از برات را تعهد براتی (obligation cambiaire) یا "engagement" خوانده‌اند (رك. به: دکتر منصور صفری: حقوق تجارت).  
اطلاق حقوق براتی (droit cambiaire) یا تعهدات براتی (engagements cambiaires) فقط به حقوق و تعهدات ناشی از «برات» اختصاص ندارد بلکه حقوق و تعهدات ناشی از اسناد تجاری به معنی و مفهوم خاص را دربرمی‌گیرد و برات به‌عنوان فرد اکمل از افراد اسناد مذکور منظور نظر است.

21. Locus regit actum.



«اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند».

رعایت این قاعده در حقوق داخلی اکثر کشورها جنبه اجباری دارد، ولی در برخی دیگر مثل فرانسه اختیاری است و طرفهای یک سند تجاری حق دارند قانون محل تنظیم را کنار بگذارند و قانون دیگری مثل قانون ملی خود را جایگزین آن سازند و یا قانون حاکم بر شرایط ماهوی سند و یا هر قانون دیگری را انتخاب کنند.<sup>22</sup>

ماده 3 پیمان ژنو، شکل تعهدات براتی را تابع قانون کشوری که تعهد در قلمرو آن ایجاد شده، دانسته است. به موجب ماده مرقوم:

«شکل تعهدات مندرج در برات و سفته تابع قانون کشوری است که تعهد مذکور در قلمرو آن ایجاد شده است. معذک چنانچه تعهدات مندرج در برات یا سفته به موجب مقررات بند فوق معتبر نباشد، ولی منطبق با مقررات کشوری باشد که

---

22. H. BATIFFOL: "Traité élémentaire de droit international privé", 4e éd. Paris, 1967, p. 615 et s., "Les conflits de lois en matière de contrats", Etude de droit international privé comparé, Paris, Sirey 1938, Nos. 360 et s.; LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., Nos. 456 et s.

تعهدات مؤخر در آنجا صورت گرفته است، اوضاع و احوالی که موجب عدم اعتبار تعهدات مقدم می‌گردد، باعث عدم اعتبار تعهدات مؤخر نخواهد بود.

هر يك از دول معظم متعاهد اختیار دارد تعهدات انجام شده توسط یکی از اتباع خود را در خارج از کشور، در قبال یکی دیگر از اتباع خود در قلمرو داخلی، معتبر بداند مشروط بر اینکه تعهدات انجام شده منطبق با شرایط شکلی مقرر در قانون ملی باشد».<sup>23</sup>

تبعیت شرایط شکلی تعهدات براتی از قانون محل تنظیم، در پیمان ژنو آمرانه است نه اختیاری. انعطاف‌ناپذیری مقررات پیمان به سهولت گردش و قابلیت نقل و انتقال اسناد تجاری در سطح بین‌المللی کمک چندانی نمی‌کند.<sup>24</sup>

---

**23.** مواد «پیمان ژنو» به شکل مذکور در این مقاله، براساس متن فرانسوی پیمان با توجه به متن انگلیسی، توسط نگارنده ترجمه شده و از اینرو رسمیت ندارد و خالی از ایراد و اشکال نیست و امید است این سند تجاری بین‌المللی توسط هیئتی از مترجمان ذيصلاح ترجمه شود.

**24.** LYON, CAEN et RENAULT: "Traité de droit commercial", 5e édit., paris, 1925, T. IV.

No. 636.

قانون تجارت ایران نیز در باب چهارم از این قاعده قدیمی پیروی کرده است. ماده 305 قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است...».

به نحوی که ملاحظه می‌شود قاعده موضوعه در پیمان ژنو در دو مورد تعدیل شده است:

اول: در مورد صلاحیت فرعی قانون محل انجام تعهد مؤخر.  
دوم: در مورد صلاحیت فرعی قانون ملی.

**1. صلاحیت فرعی قانون محل انجام تعهد مؤخر**  
**13.** بند 2 از ماده 3 پیمان ژنو مقرر می‌دارد قانون کشوری که تعهد مؤخر در آن صورت گرفته است، صلاحیت فرعی دارد. بنابراین، اگر تعهداتی در کشوری صورت پذیرفته باشد که از نقطه نظر شکلی منطبق با مقررات محل تنظیم نباشد، تعهدات مؤخر به اعتبار خود باقی خواهد ماند

مشروط بر اینکه تعهدات مقدم که از نقطه نظر شکلي، قانون محل تنظيم را رعایت نکرده است طبق قانون تعهدات مؤخر معتبر باشد.

انتقاد وارده به این مقررات این است که با امضاکنندگان مختلف يك سند تجاري، به نحوي متفاوتي رفتار مي‌کند.<sup>25</sup> در عوض، حسن بزرگ آن قائل شدن استقلال براي هر امضا در سند تجاري است. بند 2 از ماده 305 ق. ت. ا. تقریباً به همین معنی توجه دارد و مي‌گوید:

«... هر قسمت از سایر تعهدات براتي (تعهدات ناشی از ظهنويسي، ضمانت، قبولي و غيره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.»

## 2. صلاحیت فرعي قانون ملي

14. بند سوم از ماده 3 پیمان ژنو به قانون ملي مشترك طرفین سند، اعتبار و صلاحیت داده است. پیمان به دول متعاهد اجازه مي‌دهد که صلاحیت قانون ملي را در

---

25. ARMINTION et CARRY: La lettre de change et les billets à ordre", Paris, 1938, No. 409.

يك مورد به رسمیت بشناسند. این مورد ناظر به تعهدات انجام شده به وسیله یکی از طرفین در قبال طرف دیگر از اتباع يك کشور در قلمرو کشور دیگر می باشد که با نقض مقررات محل تنظیم به عمل آمده است؛ مثل اینکه يك ایرانی در قبال ایرانی دیگر در فرانسه متعهد يك سند تجاری بشود.

### 3. تعیین قانون محل تنظیم سند<sup>26</sup>

15. محل تنظیم سند که تعیین کننده قانون صالح می باشد «کشوری است که در قلمرو آن تعهد انجام می شود».<sup>27</sup> در صورتی که سند متضمن قید محل امضای تعهد نباشد، این به عهده قاضی دادگاه مرجع رسیدگی است که با کمک عوامل و قرائن، محل را احراز کند. به عقیده دکترین، در صورت فقد دلایل و قرائن، محل اقامت متعهد اماره محسوب می شود. در این مورد باید اضافه نمود که

---

26. Lex loci actus.

27. منظور محل امضای واقعی سند است. رجوع شود به:  
- ARMINJON: op. cit., No. 148.  
- LUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 458.

محل اقامت باید با سایر اوضاع و احوال هماهنگ باشد.

در صورتی که محل امضا یا تعهد نادرست باشد، با توجه به اینکه صلاحیت با قانون محل امضا است، به وسیله قانون مقرر دادگاه<sup>28</sup> تعیین می‌گردد.

در این خصوص پیمان ژنو برای دارنده با حسن نیت و یا سوء نیت فرقی قائل نشده است.

#### 4. قلمرو اعمال قانون محل صدور

16. تعیین قلمرو اعمال قانون محل صدور تعهدات براتی همواره آسان نیست، زیرا تشخیص شکل و ماهیت این تعهدات در پاره‌ای از موارد با مشکلاتی همراه است. بدیهی است قانون محل صدور حاکم بر شرایط اساسی صحت صدور برات خواهد بود. فی‌المثل، برای اینکه برات صادره در ایران مشمول مقررات بروات تجاری گردد، لازم است وفق ماده 226 ق. ت. ا. متضمن شرایط اساسی مندرج در فقرات 2 تا 8

---

28. Lex fori.

ماده 223 باشد. در غیر این صورت، برات صادره از نقطه نظر تجاری اعتباری نخواهد داشت.

وضع در مورد برات صادره در خارج ایران نیز از همین قاعده پیروی می‌کند و شرایط اساسی چنین براتی تابع قانون مملکت صدور خواهد بود (قسمت اول ماده 305 ق. ا.).

برعکس، صلاحیت قانون محل صدور در مورد شرایط ماهوی از جمله اهلیت - به شرح آتی - کاربردی ندارد.

#### **ب. شرایط ماهوی**

**17.** در میان شرایط ماهوی برات، تنها شرطی که قرارداد متحدالشکل ژنو توفیق حل آن را یافته راجع به اهلیت است. تعارض قوانین در مورد قصد و رضای طرفهای برات و جهت در تعهد براتی باید از طریق توسل به اصول کلی قواعد تعارض قوانین حل و فصل شود.

#### **1. اهلیت**

ماده 2 از ق. م. ژ. راجع به اهلیت مقرر می‌دارد:

«اهلیت شخص برای قبول تعهد در مورد برات و سفته به وسیله قانون ملی او تعیین می‌گردد. هرگاه قانون ملی مذکور صلاحیت اعمال قانون کشور دیگری را اعلام دارد، در این صورت، قانون اخیر قابل اعمال خواهد بود.

شخصی که به موجب قانون مذکور در بند فوق محجور باشد، چنانچه امضا در قلمرو کشوری داده شود که به موجب قوانین و مقررات آن کشور شخص مذکور واجد اهلیت باشد، در این صورت، قانون اخیر قابل اعمال خواهد بود.

هر يك از دول متعاهد حق دارد اعتبار تعهد انجام شده در مورد برات و سفته را به وسیله هر يك از اتباع خود که در قلمرو سایر دول متعاهد اعتباری ندارد، به رسمیت نشناسد مگر با اعمال بند فوق این ماده».

به نحوی که ملاحظه می‌شود پیمان ژنو در مورد اهلیت، اصل صلاحیت قانون ملی شخص متعهد را پذیرفته است. اصل مذکور مورد قبول حقوق بین‌الملل خصوصی اکثر دول امضاکننده پیمان است.



پس، در مورد اشخاص طبیعی، اهلیت براساس قانون دولت متبوع شخص متعهد تعیین شود.

### **18. در مورد اشخاص حقوقی، قانون**

اقامتگاه اداری یا مرکز اصلی<sup>29</sup> قابل اعمال خواهد بود.<sup>30</sup>

حقوق ایران در مورد قضیه، متضمن احکام کم و بیش مشابهی است. گفته شد قانون تجارت متعرض شرایط ماهوی صدور برات نشده و این شرایط مشمول احکام کلی مقرر در قانون مدنی است.

ماده 6 ق. م. ا. در مورد اهلیت مقرر می‌دارد:

«قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران، ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود».

و ماده 7 همان قانون می‌افزاید:

---

29. Siège social.

30. BATIFFOL: "Traité du droit international privé", 4e, éd. No. 484.

«اتباع خارجه مقيم در خاک ايران از حيث مسائل مربوطه احوال شخصيه و اهليت خود و همچنين از حيث حقوق ارثيه، در حدود معاهدات، مطيع قوانين و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود».

مقررات ايران براي تشخيص تابعيت شرکتهای تجاری، ضابطه «مرکز اصلي» را پذيرفته و از آن به اقامتگاه تعبیر کرده است.

#### ماده 591 قانون تجارت میگوید:

«اشخاص حقیقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است».

به نظر اساتید حقوق بین الملل خصوصی ایران، مسلم این است که مراد از اقامتگاه مندرج در این ماده، اقامتگاه اداری یا مرکز اصلي شرکت می باشد، و آن محلی است که بنابر تعریف ماده 590 ق.ت. اداره شخص حقیقی در آنجا واقع است. (به عبارت دیگر، محلی که مجامع عمومی و هیئت مدیره در آنجا تشکیل می شود و

راجع به سرنوشت شخص حقوقی و روش آن اتخاذ تصمیم می‌کنند).<sup>31</sup> همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حسب مقررات ایران اهلیت متعاملین، در مورد اشخاص حقیقی، تابع قانون دولت متبوع آنها است؛ ولی باید توجه داشت که این قاعده در حقوق کشور ما به‌طور مطلق پذیرفته نشده است.

در این خصوص ماده 962 قانون مدنی می‌افزاید:

«تشخیص اهلیت هرکس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود؛ معذک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد، در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است، آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از

---

31. رك. به: دکتر محمد نصیری: حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپخانه بانک ملی ایران، سال 1350، ص 140 به بعد؛ دکتر نجادعلی الماسی: حقوق بین‌الملل خصوصی، جزوه پلی‌کپی شده دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی 67-1366، فصل دوم، ص 72 به بعد.

تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد...».

به عقیده برخی از استادان ایرانی حقوق تجارت بین‌الملل فلسفه وضع این قاعده روشن است: در تنظیم این ماده قانونگذار ایرانی به برقراری ثبات در معاملات واقعیه در ایران و حفظ حقوق اتباع ایرانی نظر داشته است. ولی اعمال این قاعده گاه دشواریهایی را موجب می‌گردد. فی‌المثل، هرگاه یک تاجر ورشکسته خارجی در ایران مبادرت به انعقاد قرارداد تجارتي یا صدور برات نماید، هرگاه حکم ورشکستگی خارجی در ایران مورد شناسایی قرار نگیرد، اعمال حقوقی تاجر ورشکسته از لحاظ قانون ایران معتبر است، ولی از نقطه نظر قانون خارجی اعتباری ندارد. نتیجه اینکه قرارداد منعقد و برات صادره در ایران قابلیت اجرایی دارد، ولی در کشور متبوع تاجر قابل استناد نیست. مسئله مشکل‌تر اینکه از لحاظ بین‌المللی معلوم نیست که اعمال حقوقی انجام شده در کشور ثالث تا

چه حدودی منشأ اثر است. مهم‌تر از همه آنکه ماده عملاً باب تقلب در مناسبات تجاری بین‌المللی را باز می‌گذارد.<sup>32</sup>

### استثنای وارده بر صلاحیت قانون ملی

**19.** اصل مورد قبول در پیمان ژنو

متضمن استثنائاتی است:

**اولین استثناء،** قبول صریح احاله

است. بند اول ماده 2 پیمان مؤید همین معنی است:

«... هرگاه قانون ملی مذکور صلاحیت

اعمال قانون کشور دیگری را اعلام

دارد، در این صورت، قانون اخیر قابل

اعمال خواهد بود».

این نکته مورد تأیید قرار گرفته که

احاله منحصرأً به يك درجه محدود شده

است. هدف از این محدودیت، احتراز از

عدم اطمینان و مشکلات و پیچیدگیهای ناشی

از قبول احاله‌های پی در پی است.<sup>33</sup>

**دومین استثناء،** قبول صلاحیت متقارن

قانون محل انجام تعهد است (بند دوم

---

**32.** دکتر مرتضی نصیری: حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ  
پیکان، سال 1352، ص 53 به بعد.

**33.** LESCOT-ROBLOT: op. cit., T. II. No. 1044.

ماده 2). قانون محلي كه امضا در آن واقع مي‌شود، امكان دارد امضاكننده را واجد اهليت بدانند هرچند امضاكننده به موجب قانون ملي خود محجور شناخته شود. اين راه حل كه بيشتر با توجه به طبيعت و مقتضيات تعهدات براتي و مسئوليت تضامني وضع گرديده متضمن ايراداتي بوده و مورد اعتراض برخي قرار گرفته است؛ زيرا به يك محجور اجازه مي‌دهد تا نسبت به قانون ملي خود تعلق گرفته، در كشوري ديگر براتي را امضا نمايد كه قانون آن محل، او را واجد اهليت مي‌داند.<sup>34</sup>

پيمان ژنو براي اين مهم راه حل مناسبتي جستجو نكرده است. البته پيمان به هر يك از دول متعاهد اجازه مي‌دهد كه اعتبار تعهد براتي انجام شده به وسيله يكي از اتباع آن دولت را به رسميت نشناسد. يعني در مورد اهليت مورد قبول قانون محل تعهد و مورد اعتراض قانون ملي، تالي فاسد اين راه حل، برحسب محكمه صالحه، فرق خواهد نمود.

---

34. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1044.

به ماده 962 ق. م. ا. و توضيحات صفحه قبل مراجعه شود.

پیمان ژنو فقط «اهلیت شخص را برای تعهد برات و سفته مدنظر قرار داده است». اهلیت ذینفع برات دریافت وجه سند و اجرای آن توسط قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (قواعد حل تعارض قوانین) تعیین خواهد شد.<sup>35</sup>

## 2. قصد و رضا

**20.** پیمان ژنو در این مورد ساکت است. بنابراین، جا دارد به اصل کلی حقوق بین‌الملل خصوصی متوسل شویم که شرایط ماهوی يك سند موجد تعهد، به‌ویژه قصد و رضا، را تابع قانون حاکمیت اراده می‌داند.

این راه‌حل در فرانسه و برخی از کشورها پذیرفته شده و رویه قضائی و دکترین این کشورها نیز آن را مورد تأیید قرار داده است. اما قبول این قانون، جر و بحثهایی را به دنبال داشته است.

به عقیده برخی، وصف تجریدی اسناد تجاری چاره جز قبول قانون محل صدور و قانون محل پرداخت باقی نمی‌گذارد. در

---

35. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1049.

مقابل يك سند تجاري، اماره اساسي اين است كه قانون محل انعقاد و خصوصاً محل اجرا بهترين عوامل مثبت را براي اعمال دربردارند.

تعيين قانون حاكميت اراده تابع اصول كلي زير است:

قانون صالح ممكن است به موجب اراده صريح طرفين تعيين شود. البته اين مورد كمتر مصداق پيدا مي‌كند، زيرا چنين قانوني بايد در متن برات يا سفته صريحاً ذكر گردد.

در صورتي كه سند تجاري - چنان كه معمول است - در متن خود متضمن قيد قانون صالح نباشد، در اين صورت، قاضي در جستجوي اراده ضمنی و يا فرضي طرفين خواهد بود و لامحاله يا قانون محل انعقاد و يا قانون محل پرداخت، و به عبارت ديگر، قانون محل انجام را تعيين و اعمال خواهد نمود.<sup>36</sup>

موضع حقوق ايران در مورد تأثير اصل حاكميت اراده در تعيين قانون صلاحيت دار در قراردادها خالي از بحث و اشكال نبوده و نيست. چنان كه ملاحظه مي‌شود برات

---

36. BATIFFOL: Traité No. 547.



در قلمرو تجارت بین‌المللی حکم یک قرارداد را دارد و اکثر قواعد تعارض ناظر بر قراردادها در مورد آن اعمال می‌شود.

استادان حقوق بین‌الملل خصوصی در ایران قرارداد و یا برات را، حسب تعریف، مخلوق اراده متعاملین می‌دانند. بنابراین، منطق حقوقی فارغ از هر نوع مصلحتی حکم می‌کند که طرفین یا طرفه‌های قرارداد بتوانند آزادانه هر قانونی را که مناسب می‌دانند حاکم بر قصد و رضا، کم و کیف تعهدات ناشی از قرارداد و تفسیر مواد و شرایط آن نمایند. مگر نه این است که آثار و شرایط هر عقده را متعاملین تا حدی که مخالف نظم عمومی و قوانین آمره نباشد می‌توانند با توافق یکدیگر تعیین کنند، و در واقع، این شرایط مورد توافق را جایگزین قانون سازند؟ پس اشکالی ندارد که طرفین قرارداد حق داشته باشند، بدون لزوم تکرار مقررات یک قانون خاص ضمن قرارداد، همین که این موازین و مقررات را وافی به‌منظور خود یافتند، تعهدات

ناشي از قرارداد خود را تابع همان  
قانون قرار دهند.<sup>37</sup>

این ایرادات که منطقي و موجه به نظر  
میرسد، ناشی از موضع مبهم حقوق ایران  
در قبال قضیه مطروحه است. توضیح اینکه  
ماده 968 قانون مدنی ایران ظاهراً  
متعاملین ایرانی را از حق انتخاب قانون  
مخلوق اراده آنها محروم نموده و منحصرأ  
قانون محل انعقاد عقد را ملاک قرار داده  
است. ماده مرقوم مقرر می‌دارد:

«تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل  
عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع  
خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً  
تابع قانون دیگری قرار داده باشند».

همین معنی در قانون تجارت طی ماده  
305 با عبارت دیگری بیان شده است. ماده  
مرقوم می‌گوید:

«در مورد برواتی که در خارج ایران  
صادر شده شرایط اساسی برات تابع  
قوانین مملکت صدور است.  
هر قسمت از سایر تعهدات براتی  
(تعهدات ناشی از ظهنویسی، ضمانت،

---

37. دکتر مرتضی نصیری: همان مأخذ، ص 8.

قبولی و غیره) نیز که در خارج به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا به وجود آمده است».

صدر ماده 968 ق. م. و قسمت دوم ماده 305 ق. ت. مبین یکی از قواعد شناخته شده تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی است. ولی ذیل ماده 968 ق. م. - که حسب عقیده برخی در آن «دستکاری ناشیانه‌ای» به عمل آمده - اصل حاکمیت اراده متعاملین را نسبت به هر قرارداد منعقد در ایران زیر سؤال برده است.<sup>38</sup> و اگر قبول کنیم که ماده 968 ق. م. با توجه به عبارت «مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده» به صورت امری تلقی شود، منشأ بروز مشکلات عدیده‌ای در روابط تجاری بین‌المللی خواهد بود که بعضاً از قرار ذیل است:

اول: تعهدات ناشی از قراردادهای و اسناد تجاری منحصرأ تابع قانون محل وقوع عقد می‌باشد.

**دوم:** قراردادهای منعقد و اسناد صادره فیما بین اتباع ایرانی در خارج از

---

38. همان مأخذ، ص 57.

ایران مشمول قانون محل انعقاد عقد خواهد شد و آنها، حسب منطوق ماده مذکور، حق نخواهند داشت قانون ایران را حاکم بر تعهدات ناشی از قرارداد و یا اسناد خود تلقی کنند.<sup>39</sup>

**سوم:** نظر به اینکه به صراحت قسمت اخیر ماده 968 نمی‌توان در روابط تجاری بین‌المللی، طرف خارجی را در قرارداد منعقد با طرف ایرانی به قبول حاکمیت قانون ایران ناگزیر نمود، لذا در قراردادهای بین‌المللی نوعی ظاهرسازی و تصنع باب شده است، به این معنی که معمولاً طرف خارجی برای خارج کردن قرارداد مشمول قوانین ایران، محل انعقاد قرارداد را به خارج از ایران انتقال می‌دهد. نتیجه نامطلوب این وضعیت برای طرف ایرانی این است که حقوق او ناشی از یک قرارداد تجارت بین‌المللی، تابع اصل حاکمیت اراده طرف خارجی می‌گردد.<sup>40</sup>

**چهارم:** نظر به اینکه طرفهای ایرانی همواره از قبول حاکمیت قانون خارجی در مورد قرارداد منعقد با طرفهای خارجی

---

39. همان مأخذ، ص 57.

40. همان مأخذ، ص 57.

اکراه دارند و ترجیح می‌دهند قرارداد منعقد از هر جهت مشمول قوانین ایران و در صلاحیت محاکم ایرانی باشد، از اینرو پس از روبه رو شدن با مقاومت طرفه‌ای خارجی، ناگزیر از قبول شرط ارجاع اختلافات به داورهای داخلی و غالباً بین‌المللی می‌شوند. وقتی که اختلافات به داورهای بین‌المللی ارجاع شد، هیئت داور - حسب قاعده کلی - قواعد معمول حقوق بین‌الملل خصوصی را در انتخاب قانون صلاحیت‌دار، قاعده تعارض کشور محل اجلاس خود در نظر می‌گیرد و ارجاع اختلافات را به داور بین‌المللی قرینه‌ای بر تفسیر اراده متعاملین در قابلیت اعمال قانون محل اجلاس داوران تلقی می‌نماید. نتیجه اینکه قرارداددهای بین‌المللی بعضاً تابع قوانین و مقررات خارجی قرار خواهند گرفت و از شمول صلاحیت محاکم ایرانی نیز خارج خواهند شد و این خود یکی از نارساییهای رویه قضائی در ایران نسبت به مسائل قراردادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل خصوصی است.<sup>41</sup>

---

41. همان مأخذ، ص 58.

به منظور رفع مشکلات مذکور پیشنهادی که ارائه شده است این است که ماده 968 ق. م. را به دو قسمت تجزیه کنیم و قائل به این نظر شویم که به موجب ماده مذکور اولاً، تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل انعقاد است و از آنجا که قاعده تعارض باید حسب طبیعت قانون از قانون ماهوی تبعیت کند، صدر ماده 968 جنبه اختیاری دارد؛ پس چون متعاملین در روابط قراردادی خود، به موجب قانون ایران اختیار نسبتاً زیادی در عدم رعایت مقررات تفسیری قانون ایران دارند، از این رو باید منطقیاً حق داشته باشند قانون صلاحیت‌دار حاکم بر تعهدات قراردادی خود را - در حدود قوانین آمره - خود انتخاب کنند. ثانیاً، ذیل ماده اختصاص به اتباع خارجی دارد و چون قانونگذار چنین فرض کرده که اتباع خارجه اساساً تمایل به حکومت قوانین ایران نسبت به قرارداد منعقد خود ندارند، از این رو در مورد آنان اصل حاکمیت اراده را پذیرفته است.<sup>42</sup>

---

42. همان مأخذ، ص 59.

باري، به نحوي که ملاحظه مي‌شود، در حقوق ايران باب اجتهاد در خصوص اصل حاکميت اراده نسبت به قانون صلاحيت دار در قراردادها و از جمله اسناد تجاري باز است و اين دکترین و رويه قضائي است که بايد پاسخي براي سؤالات مطروحه بيابد و در اين پاسخگويي توجه و اعتنائي شايسته خود را نسبت به قبول اصل حاکميت اراده نشان دهد.

بنابراين، در نبود اراده صريح يا ضمني يا فرضي طرفين قرارداد يا اسناد - چنان که ملاحظه شد - ناگزير يا قانون محل تعهد و يا قانون محل پرداخت، و به عبارت ديگر، قانون محل اجرا يا انجام تعهد بايد تعيين و اعمال گردد.

### **قانون محل تعهد يا قانون محل پرداخت**

**21.** اکثريت دکترین فرانسوي<sup>43</sup> و برخي از کشورهاي اروپايي به قابليت اعمال قانون محل انجام تعهد نظر دارند. بر مبناي اين عقیده هر تعهد براتي بر حسب تفسير اراده طرفين مشمول قانون محلي است که تعهد در آنجا صورت گرفته است.

---

43. RMINJON: op. cit., No. 146; LESCOT-ROBLOT: No. 1057.

مزیت این راه حل در آن است که شرایط ماهوی اسناد تجاری (البته به جز موضوع اهلیت) و شرایط شکلی و آثار تعهدات براتی را مشمول قانون واحدی می‌نماید. این راه حل با روح پیمان ژنو نیز سازگاری دارد؛ ولی در اینکه راه حل منطبق با اراده احتمالی براتکش، براتگیر و یا ظهرنویس برات باشد، محل تردید است.

به علاوه، صلاحیت قانون محل ایجاد تعهد متضمن مشکلاتی نیز هست. فی‌المثل در مورد ظهرنویسی، همواره محل آن در ظهر سند ذکر نمی‌شود، فلذا ارز یابی تعهد ظهرنویس غیرممکن است؛<sup>44</sup> مضافاً بر اینکه گرایش عمومی علمای حقوق و محاکم مبني بر مزایای شمول يك قانون واحد را بر تعهدات براتی نادیده می‌گیرد.<sup>45</sup>

ضرورت ایجاد وحدت حقوقی و حصول اطمینان خاطر که لازمه، گردش اسناد تجاری است، اکثر حقوقدانان تجارت بین‌الملل را به دلایل زیر به قبول صلاحیت قانون محل پرداخت رهنمون ساخته است:

---

44. BATIFFOL: Traité, 4e éd. No. 547 ets.

45. BATIFFOL: op. et loc. cit.



**اولاً:** در محل اجرا است که اختلاف و دعوی بروز می‌کند، حق «تحقق» می‌یابد و اجرای آن شکل می‌گیرد. این ملاحظات، اولویت را به اعمال قانون محل اجرای تعهد می‌دهد.

**ثانیاً:** صلاحیت اعمال قانون محل اجرا تأمین‌کننده اطمینان و وحدت حقوقی است که لازمه گردش اسناد تجاری می‌باشد.

**ثالثاً:** آرای بسیاری در سطح بین‌المللی به قبول صلاحیت قانون محل پرداخت صحه گذارده است.<sup>46</sup>

هرچند اکثریت آرای صادره نمی‌تواند حکم کلی و قاطعی داشته باشد و از ناحیه طرفداران صلاحیت قانون محل ایجاد تعهد نیز مورد انتقاد قرار گرفته است، معذک اهمیت پرداخت و مشکلات ناشی از آن را نشان می‌دهد و صلاحیت انحصاری قانون محل پرداخت را ثابت می‌کند.

با توجه به مراتب فوق، قانون حاکمیت اراده باید حاکم بر قصد و رضا، کیفیتهای مختلف آن و عیوب رضا باشد.

### **3. جهت تعهدات براتی**

---

46. BATIFFOL: op. et loc. Cit.

**22.** در پیمان ژنو حصول هیچ‌گونه توافقی در مورد جهت یا سبب تعهدات براتی امکان‌پذیر نشد. اگر حقوق فرانسه در مورد تعهدات براتی مشعر بر این است که باید جهت مشروع باشد،<sup>47</sup> در عوض، حقوق آلمان و حقوقی که از نظام ژرمانیک سرچشمه می‌گیرند، تعهدات براتی را فی‌نفسه مستقل و مجرد تلقی می‌نمایند.<sup>48</sup>

در نبود راه‌حل در پیمان ژنو، در مورد بروز تعارض در خصوص «جهت»، مسئله از طریق اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی حل و فصل خواهد شد.

اصول کلی نظر به اعمال قانون حاکمیت اراده دارد. این قانون حاکمیت اراده است که روشن خواهد ساخت تعهد فارغ از جهت و علت آن معتبر است و یا اینکه باید علت و جهت مشروع باشد. فی‌المثل، قانون مدنی ایران صراحت دارد بر اینکه: «در معامله لازم نیست که جهت آن

---

47. ARMINJON-CARRY: op. cit., N. 45 ets; LESCOT-ROBLOT: op.cit., N. 156 ets.

48. LOUSSOUARN et BREDIN: op. cit., No. 455.

و در حقوق انگلیس، ماده 27 قانون بروات 1882 مشعر بر این است که برات باید متضمن عوض یا ارزش معتبری (valuable consideration) باشد.

تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد، والا معامله باطل است».

قانون مدنی ایران در خصوص اعمال قانون محل اجرا نسبت به مشروعیت معامله تصریح ندارد، ولی حسب عقیده برخی این مسئله بدیهی به نظر می‌رسد و عدم تصریح موضوع در قانون مدنی تولید اشکال نمی‌کند.<sup>49</sup> در نهایت، با توجه به موازین تعارض قوانین ایران در مورد مشروعیت جهت معامله، هم قانون ایران که حسب فرض قانون کشور محل انعقاد است و هم قانون کشور خارجی محل اجرای قرارداد باید مورد توجه قرار گیرد. این عده در مورد شمول قانون ایران نسبت به موضوع مشروعیت برای معامله به اصل درون‌مرزی استناد می‌کنند و در مورد شمول قانون کشور محل اجرا به قاعده نظم عمومی در کشور خارجی توجه دارند، و به‌طور خلاصه چنین نتیجه می‌گیرند که موضوع قرارداد منعقد شده در ایران، حتی اگر از لحاظ قانون ایران مشروع باشد، در صورتی در کشور خارجی قابل اجرا خواهد بود که از صافی نظم عمومی آن کشور عبور کند. در مورد نقض

---

49. دکتر مرتضی نصیری: همان مأخذ، ص 55.

قرارداد که موضوع آن در کشور محل اجرای قرارداد نامشروع است، در کشور ثالث نیز نمی‌توان مطالبه خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد نمود؛ زیرا از نظر کشور ثالث، تعذر اجرای قرارداد یا عدم مشروعیت موضوع قرارداد در کشور محل اجرا از موارد استناد به نظم عمومی در روابط بین‌المللی است.<sup>50</sup>

باید توجه داشت که حقوق‌دانان بین‌الملل خصوصی ما این مسئله را در باب قراردادهای بین‌المللی مطرح نموده و در مورد اسناد تجاری نظر خاصی ابراز نداشته‌اند. تشابه موضوعات چشمگیر است. آنچه در باب علت و جهت می‌توان گفت این است که اعتبار تعهد سابق به‌عنوان موجب ایجاد علت تعهد براتی، باید وفق قانون حاکم بر تعهد سابق ارزیابی شود؛ قانون حاکم بر شرایط ماهوی تعهد براتی، متعاقب آن قابلیت اعمال خواهد یافت.<sup>51</sup> و بالاخره، قانون حاکمیت اراده که علی‌القاعده قانون صلاحیت‌دار است امکان دارد در اثر اعمال اصول کلی، به‌علت

---

50. همان مأخذ، ص 56.

51. LESCOT-ROBLOT: op.cit., No. 1602.

برخورد با موضوع نظم عمومی در معنی و مفهوم بین‌المللی آن، به نفع قانون مقرر دادگاه جرح گردد.<sup>52</sup>

## بند دوم آثار تعهدات براتی

### الف. اصل وابستگی امضاها<sup>53</sup>

**23.** در نظام حقوقی برخی از کشورها در مورد آثار تعهدات براتی دو روش در مقابل هم قرار دارد.

برخی بر این عقیده‌اند که باید بین امضاها یا تعهدات تضامنی یک سند تجاری مثل برات یا سفته قائل به تفکیک شد. طرفداران این روش بر این نظرند که اتخاذ چنین روشی با قصد احتمالی امضاکنندگان یک سند تجاری تطبیق دارد و متضمن مزایای عملی نیز هست؛ زیرا هر یک از امضاکنندگان یک سند تجاری برای آنکه بدانند چه تعهدی می‌کند مایل است قانونی حاکم بر تعهد او باشد که برای او آشنا است و چنانچه امر دایر شود بر اینکه هر

---

52. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 455.

53. Principe de l'interdépendance des signatures.

امضاکننده از کم و کیف قانون خارجی حاکم بر تعهد خود اطلاع حاصل نماید، گردش اسناد تجاری با مشکلاتی روبه رو خواهد شد.

در مورد روش دیگر، ثمره عملی این خواهد بود که یک قانون کشور خارجی به طور تصنعی حاکم بر تعهدات متفاوتی باشد که در کشورهای مختلف صورت گرفته است.<sup>54</sup>

اعمال تعدد قوانین خارجی قاطع و مفید به نظر نمی‌رسد، زیرا از نقطه نظر تئوریک اعمال قوانین متعدد و متنوع وحدت حقوقی خاص تعهدات مندرج در یک سند تجاری را متلاشی می‌سازد و ویژگی سند تجاری را که سهولت نقل و انتقال آن است، و در نهایت، کل واحدهای از مجموع روابط حقوقی را تشکیل می‌دهد، نادیده می‌انگارد. به همین ملاحظات، برخی از حقوقدانان اروپایی گرایش به قبول عقیده دیگری یافته‌اند. به نظر این عده:

«... تعهدات مندرج در متن و ظهر یک سند تجاری همه به یک دین منتهی می‌شود، لذا به هم پیوستگی دارند و

---

54. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1017 ets.

مجموعه و مجتمعي را تشكيل مي‌دهند كه  
بايد مشمول رژيم واحدی قرار گیرد  
...».<sup>55</sup>

طرفداران نظر و روش اخير بر اين  
عقيده اند كه روش حكومت قوانين متعدد و  
متنوع، متضمن نقايص و مشكلات عملي خواهد  
بود. از جمله غيرعادلانه و غيرمنطقي است  
كه دارنده يك سند تجاري براي يك تعهد،  
مسئولين تضامني داشته باشد كه مشمول  
مقررات متفاوتي قرار گیرند و نتيجتاً  
قوانين مختلفي بر تعهدات مندرج در متن  
يك سند اعمال حاكميت نمايند.<sup>56</sup>

استدلال جالب و چشمگيري به نظر  
مي‌رسد، ولي واقعيّت اين است كه مشكل  
بتوان گردش اسناد تجاري را مشمول  
مقررات متحدالشكلي نمود. تلاش براي  
اينكه دارنده يك سند تجاري از تضمين و  
امنيت كافي و وحدت حقوقي لازم برخوردار  
باشد و از مشكلات و پيچيدگي‌هاي تنوع  
حكومت قوانين بکاهد، همچنان ادامه

---

55. ARMINJON: op. cit., No. 160.

56. BATIFFOL: op. cit., No. 547; ARMINJON: op. cit., No. 160.

دارد، اما هنوز از صورت آرمان به واقعیت نپیوسته است.

**24.** با توجه به مراتب فوق، آنچه امروزه در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل غلبه دارد اعمال روش تعدد قوانین است و قبل از انعقاد پیمان ژنو، رویه محاکم نظامهای بزرگ حقوقی معاصر از قبیل رم، ژرمنیک و انگلوساکسن گرایش به قبول همین نظر و روش داشته و رویه قضائی آلمان، انگلیس و ایتالیا نیز در همین راستا جهت‌دهی شده‌اند.<sup>57</sup>

باری، ماده 4 پیمان ژنو با عبارات زیر روش اعمال تعدد قوانین را پذیرفته است:

«آثار تعهدات براتگیر و متعهد سفته به‌موجب قانون محلی که این اسناد در قلمرو آن قابل پرداخت می‌باشد، تعیین می‌گردد.

آثار تعهدات سایر متعهدان برات و سفته به‌موجب قانون کشوری که تعهد در قلمرو آن به‌وجود آمده است، تعیین می‌شود».

---

57. ROBLOT-LESCOT: op. cit., No. 1069; LOUSSOURN-BREDIN: op. cit., No. 460.



قانون تجارت ایران با قبول اصل  
اعمال تعدد قوانین در بند دوم از ماده  
305 خود اشعار می‌دارد:

«هر قسمت از سایر تعهدات براتی  
(تعهدات ناشی از ظهنویسی، ضمانت،  
قبولی و غیره) نیز که در خارجه  
به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است  
که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده  
است.»

#### **ب. محدودیتهای وارده به اصل وابستگی امضاها**

**25.** شرکت‌کنندگان در پیمان ژنو خود  
به مشکلات عملی ناشی از راه‌حل انتخابی  
واقف بوده و بر همین مبنا، با وارد  
کردن استثنائاتی بر این روش، قلمرو  
اعمال آن را محدود ساخته‌اند. ماده 5  
پیمان مقرر می‌دارد:

«مهلت مراجعه برای هر یک از  
امضاکنندگان، به‌موجب قانون محل انشای  
سند تعیین خواهد شد.»

و به موجب ماده 8 پیمان، شرایط شکلی و مهلت و اخواست، از دایره شمول ماده 4 خارج شده است. وفق مقررات ماده 8 پیمان:

«شکل و مهلت و اخواست و همچنین شکل سایر اقدامات لازمه اعمال حق و حفظ آن در مورد برات و سفته، به موجب قوانین کشوری که و اخواستنامه یا عمل مورد نظر باید در قلمرو آن کشور انجام شود، حل و فصل خواهد شد».

ماده 306 ق. ت. ا. نیز به این معنی توجه نموده است و می‌گوید:

«اعتراض و به‌طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید، تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا انجام بشود».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اعمال روش تعدد و تنوع قوانین بر تعهدات مختلف براتی به شرح مذکور در ماده 4 پیمان، وجه امتیاز اساسی بین آثار تعهد

قبولکننده برات و متعهد سفته از يك سو و آثار تعهدات ساير متعهدان برات از سوي ديگر قائل شده است. آثار تعهد قبولکننده يا براتگیر و متعهد سفته به موجب قانون محل پرداخت و آثار تعهد ساير متعهدان به موجب قانون کشوري که اين تعهدات در قلمرو آن به وجود آمده است، تعيين خواهد شد.

## 1. قبولي

26. پیمان ژنو آثار تعهد قبولکننده برات و متعهد سفته را مشمول قانون محل پرداخت<sup>58</sup> قرار مي دهد. بند دوم ماده 305 ق. ت. ا. نیز پذيراي همين راه حل شده است. عبارت «آثار تعهد قبولکننده» تاب تفسير به خود گرفته و در اينکه چه حدود و ثغوري را دربرمي گيرد، بحث و نظراتي را موجب شده است.

گفته شد که «ارائه جهت اخذ قبولي، شرايط و نحوه آن» مشمول اين قاعده نيست. برخي پيشنهاد کرده اند که موضوع مشمول قانون محل صدور باشد.<sup>59</sup> دکترین

---

58. Lex loci solutions.

59. LYON-CAEN et RENAULT: op. cit., T. IV, No. 643.

جدید گرایش به قبول صلاحیت قانون محل  
ارائه دارد.<sup>60</sup> استفاد از قسمت اخیر ماده  
8 پیمان مشعر بر اینکه «... شکل سایر  
اقدامات لازمه اعمال حق و حفظ آن در  
مورد برات و سفته به موجب قوانین کشوری  
حل و فصل خواهد شد که واخواستنامه یا  
عمل مورد نظر باید در قلمرو آن کشور  
انجام شود»، استخراج همین قاعده است.  
هرچند «ارائه» در معنی و مفهوم این  
عبارات از شرایط شکلی نیست، معذک این  
راه حل از جهت سهولت کار عنوان شده است.  
این مسئله که آیا براتگیر مکلف است  
براتی را که جهت قبولی به او ارائه شده  
است، قبولی بنویسد یا نکول کند، از  
دایره شمول ماده 4 پیمان خارج می باشد.  
ماده مذکور آثار ارائه را دربر نمی گیرد.  
دکترین در این مورد، گرایش به قبول این  
نظر دارد که ارائه جهت اخذ قبولی، تابع  
حکومت قانون قابل اعمال در مورد قرارداد  
قبلی فیما بین براتکش و براتگیر است.<sup>61</sup>  
این راه حل ظاهراً بر یک اصل کلی  
اتکا دارد که به موجب آن تعهد قبولی

---

60. ARMINJON: op. cit., No. 168; LESCOT- RBLLOT: op.cit., No. 1079.

61. LESCOT-ROBLOT: op.cit., No. 1079-1080; ARMIJON et CARRY: op.cit., No.438.

برات از قرارداد اولي فيمابین براتکش و براتگیر ناشی می‌شود. البته باب بحث و ایراد در این زمینه باز است. به‌منظور ایجاد وحدت حقوقی، برخی از استادان معاصر حقوق تجارت بین‌الملل گرایش به قبول قانون محل پرداخت دارند.<sup>62</sup> ارزش رضای قبول‌کننده به‌موجب مقررات پیمان، مشمول قانون حاکمیت اراده است و شرایط شکلی قبولی را قانون محل تعیین خواهد کرد.<sup>63</sup>

### قبولی جزئی

27. در بحث از برات، راجع به قبولی جزئی یا بخشی از مبلغ برات مطالبی مطرح است، از جمله اینکه ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد و اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود، به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویسها بری می‌شوند...<sup>64</sup>

در قلمرو بین‌المللی، قبولی جزئی وفق مقررات پیمان ژنو تابع قانون محل پرداخت است. ماده 7 پیمان می‌گوید:

62. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 462.

63. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 462.

64. مواد 232 و 268 ق. ت.

«قانون کشوری که برات در آن قابل پرداخت است این موضوع را که قبولی می‌تواند محدود به جزیی از مبلغ برات باشد، حل و فصل می‌کند».

این راه حل ظاهراً به کلیه تغییراتی که ممکن است توسط براتگیر در مورد محتوای اصلی برات به عمل آید نیز تسری یافته است. از این معنی در حقوق فرانسه به «قبول موصوف»<sup>65</sup> تعبیر می‌کنند. در «قبول موصوف» شرطی درج می‌شود و یا تاریخ سررسید و محل پرداخت تغییر می‌یابد.<sup>66</sup>

در عوض، همگان توافق دارند که ماده 7 پیمان منحصراً ناظر بر این مسئله است که «قبولی می‌تواند محدود به جزیی از مبلغ برات باشد». بنابراین، آثار قبولی بخشی از مبلغ برات در قبال متعهدان برات، حسب مقررات بند 2 ماده 4، مشمول قانون محل انجام تعهد است و این موضوع مانع از ایجاد راه‌حلهای متفاوت و مشکل نخواهد بود.<sup>67</sup>

65. ACCEPTATION QUALIFIEE-ARMINJON et CARRY: op. cit., No. 438.

66. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1938.

67. LOUSSOURN-BREDIN: op. cit., No. 463.

## 2. تعهد براتکش

28. آثار تعهد براتکش، وفق بند 2 ماه 4 پیمان، مشمول قانون محل تعهد است. این قانون معین می‌دارد که آیا براتکش ضامن قبولی و پرداخت است یا خیر، چه ایراداتی می‌تواند علیه دارنده برات عنوان کند و رژیم حاکم بر حق مراجعه چگونه خواهد بود؟<sup>68</sup>

در مقابل، شرایط اختیاری مندرج در برات از قبیل «بدون تضمین»، «غیرقابل ظهرنویسی» و «بدون قبولی» باید منطقیاً به‌عنوان شرایط قصد و رضا تلقی شود و نتیجتاً مشمول قانون حاکمیت اراده باشد.<sup>69</sup>

## 3. تعهد ظهرنویس

29. حقوق بین‌الملل خصوصی غالباً آثار تعهدات ظهرنویس را مشمول قانون محل ظهرنویسی می‌داند. بند 2 از ماده 4 پیمان

---

68. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1067; ARMINJON, op. cit., No. 164.

69. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1088.

ژنو نیز همین قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی را پذیرفته است.

قاعده حکایت از یک جریان حقوقی بین‌المللی دارد و در نظام حقوق آلمان و انگلیس نیز همین قاعده معمول و مجری است.<sup>70</sup>

به‌موجب این قاعده، قانون محل ظهرویی حدود و ثغور آثار تعهدات ظهرویی، موارد عدم مسئولیت و نحوه انتقال حقوق مندرج در سند را تعیین خواهد کرد. ارزش ظهرویی سفید و اینکه ظهرویی به تاریخ مؤخر صورت پذیرفته است یا مقدم و آثار آن، به‌موجب قانون محل انجام تعیین خواهد شد.

#### 4. ضمانت<sup>71</sup>

30. آثار ضمانت در برات، حسب قاعده کلی، تابع قانون محلی است که ضمانت در آنجا به‌عمل آمده است.<sup>72</sup> پیمان ژنو نیز پذیرای همین قاعده شده است. قانون محل مذکور تعهدات ضامن، شخص مضمون<sup>73</sup> عنه و

---

70. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 462.

71. Aval.

72. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1088.



حدود و ثغور ضمانت را معلوم می‌کند.<sup>73</sup> مؤید همین قاعده قدیمی، قسمت دوم از ماده 305 ق. ت. ا. است که می‌گوید:

«هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است...».

### بند سوم اجرای تعهدات براتی

**31.** اجرای تعهدات براتی مسئله پرداخت را مطرح می‌سازد. وقتی از پرداخت سخن به میان می‌آید، موعد یا سررسید و طرق مطالبه وجه برات توسط دارنده آن نیز مطرح است. در بسیاری از نظامهای حقوقی، پرداخت با موضوع دیگری که «محل برات» یا سند تجاری است ارتباط بسیار نزدیکی پیدا می‌کند.

---

**73.** برای اطلاع از رویه قضایی سابق فرانسه رجوع کنید به:

LYON-CAEN et RENAULT: T. IV. No. 665.

## الف. محل برات

32. تنوع و اختلافات موجود در قوانین کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس ژنو باعث شد که مسئله «محل برات» از دایره شمول قانون متحدالشکل ژنو خارج گردد. ضمیمه دوم پیمان طي ماده 16 خود چنین مقرر داشته است:

«این مسئله که آیا براتکش مکلف است در سررسید، محل برات را تأمین کند و اینکه دارنده برات نسبت به محل مذکور از حقوق خاصی برخوردار است، خارج از شمول قانون متحدالشکل قرار دارد».<sup>74</sup>

پیمان راجع به حل و فصل پاره‌ای از تعارضات، در ماده 6 خود منحصراً موضوع نقل و انتقال محل برات را مدنظر قرار داده است.

بنابه مراتب فوق، حل و فصل اکثر مسائل پیچیده مربوط به «محل برات» به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی کشورها ارجاع داده شده است.

## 1. وجود محل برات

---

74. به ضمیمه چهارم پیمان ژنو مراجعه شود.

33. اولین مسئله در مورد محل برات، وجود آن است: محل برات باید چگونه و در کجا موجود باشد؟

برخی از مؤلفان حقوق تجارت بر این عقیده اند که پاسخ این مسئله را باید در صلاحیت قانون محل صدور برات جستجو نمود.<sup>75</sup> این دسته از مؤلفان دلایل چندان قانع کننده ای ارائه نمی دهند. برخی دیگر قانون حاکم بر قرارداد فیما بین براتکش و براتگیر را که قبل از صدور برات منعقد شده است صالح می دانند.<sup>76</sup> و بالاخره، بخشی از دکترین کشورهای اروپایی پیشنهاد کرده است که این دو راه حل، حسب مورد، به تفکیک اعمال گردد.<sup>77</sup>

به زعم این بخش از دکترین، قانون قابل اعمال نسبت به قرارداد منعقد شده در **روابط فیما بین** براتکش و براتگیر تعیین خواهد نمود که آیا براتگیر اصولاً باید محل برات را تأمین کند؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، چه وقت و چگونه؟ و ضمانت اجرای عدم تأمین محل چه خواهد بود؟

---

75. LYON-CAEN et RENAULT: op. cit., T. IV, No. 643.

76. MRMINJON-CARRY: op.cit., No. 1092.

77. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1092.

در مورد روابط فیما بین براتکش و دارنده برات، قانون محل صدور حکومت دارد. به عقیده علمای حقوق تجارت بین الملل، این وجه تفکیک منطقی به نظر می‌رسد،<sup>78</sup> با این تفاوت که قانون محل پرداخت را مناسبتر از قانون محل صدور می‌دانند. بار اثبات ادعا و نحوه ارائه ادله، به موجب اصول کلی، مشمول قانونی خواهد بود که در ماهیت دعوی قابل اعمال است.

## 2. نقل و انتقال محل برات

34. مسئله نقل و انتقال محل برات قبل از پیمان ژنو محل بحث و موضوع گرایشهای حقوقی موافق و مخالف بسیاری بوده است. برخی به صلاحیت قانون محل قبولی معتقد بوده‌اند<sup>79</sup> و بخشی از دکترین از صلاحیت قانون محل تنظیم و انشای برات دفاع کرده است.<sup>80</sup> رویه قضایی برخی از کشورها منجمله فرانسه از نظر اخیر جانبداری می‌نماید. پاره‌ای از مؤلفان، نظر به وجوه تشابه موجود میان

78. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 469.

79. WEISS: op. cit., T. IV, No. 460; LYON-CAEN-RENAULT: op. cit., T IV, No. 174.

80. LYON-CAEN-RENAULT: T. IV, No. 644.

انتقال طلب و انتقال محل برات، اعمال قانون محل اقامت بدهکار را پیشنهاد کرده‌اند.<sup>81</sup> برخی از مؤلفان حقوق تجارت بین‌الملل نیز اعمال جمعی قانون محل صدور سند و قانون محل اقامت بدهکار را مناسب دانسته‌اند.<sup>82</sup> مؤلفان اخیرالذکر قبول دارند که این راه‌حل ایده‌آل جنبه عملی چندانی ندارد، زیرا دارنده برات را با مشکلات عدیده‌ای جهت احراز حق خود نسبتبه محل برات مواجه خواهد ساخت.

کنفرانس ژنو، در جستجوی یک رژیم واحد، در وهله نخست به قبول صلاحیت قانون محل پرداخت گرایش پیدا کرد. قانون محل پرداخت دو مزیت عمده داشت: یکی وحدت و دیگری ایجاد اعتماد و اطمینان. گرایش غالب پس از جر و بحث‌های مفصل و طولانی تغییر یافت و کنفرانس در مورد قانون محل صدور اتخاذ تصمیم نمود. ماده 6 پیمان در این باره می‌گوید:

«قانون محل صدور سند تعیین خواهد نمود که دارنده سند، مالک طلبی که

---

81. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 471.

82. LESCOT-ROBLOT: op. cit. No. 1095.

موجب صدور سند شده است، خواهد شد یا نه».

به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، قانون محل صدور در مورد انتقال محل برات تصمیم خواهد گرفت و قانون محل ظهرویی در این مورد هیچ صلاحیتی ندارد. پس، درخصوص طبیعت و حدود و ثغور حقوق دارنده برات نسبت به محل آن، قانون صالح قانون محل صدور برات است.<sup>83</sup> شرایط و تشریفات انتقال محل برات نیز تبعاً مشمول قانون محل صدور خواهد بود.

#### ب. پرداخت وجه برات

**35.** پرداخت در درجه نخست مسئله سررسید را مطرح می‌سازد. به عبارت دیگر، سؤال این است که دستور پرداخت صادره توسط براتکش عهده براتگیر چه وقت باید به مرحله اجرا درآید؟

در پاسخ به این سؤال همگی اتفاق نظر دارند که يك قانون باید نسبت به کلیه امضاکنندگان حکومت کند، و لی در این نکته که حکومت با کدام قانون باشد،

---

83. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1096.

اختلاف نظر وجود دارد.<sup>84</sup> برخی قانون حاکم بر محل صدور سند را ترجیح داده اند، زیرا سررسید برات یکی از شرایط و کیفیات اعلام تعهد براتی و مسئولیت تضامنی براتکش است،<sup>85</sup> و برخی دیگر، قانون محل پرداخت را ارجح دانسته اند و دلیل عمده آن این است که:

**اولاً:** ساده ترین و راحت ترین قانون اجرای تعهد براتی است.

**ثانیاً:** سررسید اساساً مربوط به اجرای تعهد براتگیر است.<sup>86</sup>

دکترین جدید گرایش به ترکیب دو راه حل پیشنهادی فوق دارد و قانون محل صدور را در درجه اول صالح می داند به دلیل اینکه قانون محل، حاکم بر شرایط شکلی است، و برای آنکه بدانیم قید سررسید از شرایط اجباری است یا نه و تابع چه شروطی باید باشد، قانون محل صدور پاسخ ما را خواهد داد.<sup>87</sup>

قانون محل صدور به عنوان قانون حاکمیت اراده نیز می تواند صلاحیت خود را

---

84. ARMINJON: op. cit., No. 152.

85. HAMEL, LAGARDE et JAUFFRET: op. cit., No. 1533.

86. LYON-CAEN-RENAULT: op. cit., T. IV, No. 655.

87. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1098.

اعمال کند. صلاحیت این قانون جهت تعیین انواع مختلف سررسید است که امکان دارد توسط براتکش تصریح شود. در صورت سکوت سند، نوع فرضی سررسید، در مقابل قانون محل صدور با شرایط یاد شده، قانون محل پرداخت می‌تواند صلاحیت اعمال در پاره‌ای از موارد را پیدا کند. فی‌المثل، قانون تجارت ایران در مبحث پرداخت مقرر می‌دارد که برات به‌وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود<sup>88</sup> و روز وعده در برواتی که به‌وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به‌وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد<sup>89</sup> و ماده 244 قانون می‌گوید اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تأدیه شود و ماده 257 می‌افزاید:

«اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، به ظهرویسهای ماقبل خود و برات‌دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده‌اند، حق رجوع نخواهد داشت».

---

88. ماده 254 ق. ت. ا.

89. ماده 355 ق. ت. ا.



قانون محل پرداخت در موارد یاد شده صلاحیت مناسبتری برای تعیین تکلیف مسائل خواهد داشت. در واقع، تلفیق دو راه حل پیشنهادی از نقطه نظری جالب توجه است، ولی خطر ایجاد عدم اطمینان زیادی نیز به همراه دارد.

بنابر ملاحظات یاد شده، برخی از مؤلفان حقوق تجارت بین الملل بهترین راه حل را در این دانسته اند که کلیه مسائل مربوط به سررسید تابع قانون محل پرداخت قرار گیرد؛ زیرا نمی توان رابطه میان سررسید و پرداخت را قطع نمود و اعمال این قانون عملاً نیز راه حل رضایت بخشی است.<sup>90</sup> ماده 306 ق. ت. ا. که می گوید «... به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود»، مسئله پرداخت را نیز ظاهراً شامل می شود و صلاحیت اعمال قانون محل پرداخت را دربردارد.

## 1. ارائه جهت پرداخت

---

90. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 472.

36. ارائه جهت پرداخت، به موجب ماده 8 پیمان ژنو تابع قانون محل است. البته عبارت متن ماده 8 پیمان مبهم به نظر می‌رسد:

«شکل و مهلت‌های واخواست و همچنین شکل سایر اقدامات لازمه اعمال حق و حفظ آن در مورد برات و سفته، به موجب قوانین کشوری که واخواستنامه یا عمل باید در قلمرو آن کشور انجام شود، حل و فصل خواهد شد».

به عقیده برخی در اینکه ارائه جهت اخذ قبولی از جمله اعمالی نیست که لازمه حفظ حقوق باشد تردیدی وجود ندارد.<sup>91</sup> به موجب مقررات پیمان، قانون محل ارائه باید تعیین کند چه کسی حق ارائه سند را جهت پرداخت دارد و سند چه وقت باید ارائه گردد و براتگیر چه حقوق و تکالیفی خواهد داشت.<sup>92</sup> این معنی از ماده 306 ق. ت. ا. نیز مستفاد می‌شود.

## 2. گم شدن، سرقت و از بین رفتن برات

---

91. LOUSSOUARN- BREDIN: op. cit., No. 473.

92. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1099.

**37.** قانون تجارت ایران در مبحث قوانین خارجی در مورد گم شدن، سرقت و از بین رفتن برات تصریحی ندارد. ماده 9 پیمان ژنو در موارد یاد شده صلاحیت قانون محل پرداخت را با عبارات زیر اعلام داشته است:

«قانون محلی که برات یا سفته در آنجا قابل پرداخت می‌باشد، اقدامات لازمه را در مورد گم شدن یا سرقت یا از بین رفتن برات و سفته معین خواهد نمود».

این قاعده قبل از پیمان بالاتفاق مورد قبول مؤلفان حقوق بین‌الملل خصوصی بوده است.<sup>93</sup> به عقیده استادان حقوق تجارت بین‌الملل قانون محل نه فقط به دارنده سند تجاری اطلاع و شناسایی کافی و سریع از نحوه انجام اقدامات لازمه را می‌دهد، بلکه در برابر اعتراض براتگیر و اجرای تعهدات وی نیز منشأ تأثیر است. با توجه به مراتب، قانون محل پرداخت حاکم بر مجموع اقداماتی است که مانع پرداخت وجه برات است.<sup>94</sup> ماده 306

**93.** LYON-CAEN-RENAULT: op. cit., T. IV, No. 665; ARMINJON: op. cit., No. 182; ARMINJON-CARRY: op. cit., No. 465.

**94.** LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1100.

ق. ت. ا. هر چند نسبتبه مورد تصریح ندارد معذلك مي‌توان از مفهوم عبارات «... به‌طور كلي هر اقدامي كه براي حفظ حقوق ناشيه از برات و استفاده از آن در خارجه بايد به‌عمل آيد تابع قوانين مملكتي خواهد بود كه آن اقدام بايد در آنجا بشود»، اين معني را استنباط نمود.

### ج. تعهد براتگير

**38.** انجام تعهدات براتگير، برحسب قاعده كلي حاكم بر تعهدات، بايد علي‌القاعده مشمول قانون حاكميت اراده باشد. قانون حاكميت توسط قانون قرارداد تعيين مي‌شود.

قبل از پيمان ژنو اكثريت مؤلفان حقوق تجارت و آراي محاكم انجام تعهدات برات را تابع قانون محل پرداخت مي‌دانسته‌اند بدون آنكه به‌عنوان صلاحيت اين قانون تصریح كنند.<sup>95</sup>

پيمان ژنو قانون محل پرداخت را پذيرفته و محتويات تعهدات براتگيري را كه برات را قبولي نوشته تابع همين قانون مي‌داند و پرداخت بخشي از مبلغ

---

95. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 475.

برات و اعتراض در برابر گم شدن آن را نیز مشمول همین قاعده اعلام داشته است. پس، قانون محل پرداخت تعیین خواهد کرد که براتگیر قبل از پرداخت، چه بررسی‌هایی را باید انجام دهد و چگونه می‌باید صحت و اعتبار سلسله ظهرنویسیها و سایر امضاهای برات را احراز کند و به چه ترتیب با پرداخت وجه برات در سررسید بری‌الذمه می‌شود.

حسب مقررات ماده 7 پیمان ژنو، قانون محل پرداخت تعیین خواهد کرد که آیا دارنده سند مکلف به قبول بخشی از مبلغ برات خواهد بود و آیا ملزم است پرداخت قبل از موعد را بپذیرد یا خیر؟ پس، هرگاه محل پرداخت براتی در ایران باشد، وفق مقررات ماده 268 ق. ت. ا. اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود، به همان اندازه برات‌دهنده و ظهرنویسها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند.

#### د. پول پرداخت

39. در قلمرو بین‌المللی، در مقام تعارض قوانین، مشکلات اساسی از یک سو به

پول پرداخت و از سوی دیگر به مرور زمان مسقط حق مربوط است. مسئله مربوط به پول پرداخت با مجموع مسائل مربوط به آن پول ارتباط دارد.<sup>96</sup> قانون متحدالشکل ژنو طی ماده 41 علی‌الاصول قانون محل پرداخت را نسبت به مسئله اعمال می‌کند،<sup>97</sup> ولی امتیازاتی نیز به قانون حاکمیت اراده داده است.<sup>98</sup> پیمان ژنو در صورت بروز تعارض، مسئله را حل ننموده ولی مستفاد از مجموع دکترین این است که مقررات پیمان نیز صلاحیت را به قانون محل پرداخت می‌دهد.<sup>99</sup> بنابراین، برات به پول محل پرداخت و به نرخ تبدیل در روز سررسید قابل پرداخت می‌باشد. در این مورد، راه حل موجود، حقوق قراردادی و قواعد عمومی را نسبتاً متحدالشکل نموده است، زیرا قواعد عمومی نیز غالباً صلاحیت محل پرداخت را برای تعیین پول برات و تصفیه حساب می‌پذیرد.<sup>100</sup>

---

96. BATIFFOL: Traité, No. 613.

97. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 579; ARMINJON: op.cit., No. 192.

98. HAMEL, LAGARDE et JAUFFRET: op. cit. No. 1533.

99. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 476; LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 11803.

100. BATIFFOL: Traité, No. 613.

## بند چهارم حقوق و وظایف دارنده برات

### الف. شرایط مراجعه و طرح دعوی برات

**40.** هرگاه براتگیر در سررسید، وجه برات را نپردازد و یا قبل از سررسید از قبولی برات امتناع ورزد، دارنده برات حق مراجعه به براتگیر و ظهرنویسان را دارد. این موارد، وجه مشترک قوانین اکثر کشورها است و نتیجتاً تعارض قوانین چندانی را به وجود نمی‌آورد. در عوض، در قوانین کشورها نسبت به مراجعه قبل از موعد، موارد متنوعی وجود دارد و از اینرو مسئله قانون قابل اعمال را در خصوص شرایط مراجعه و طرح دعوی برات مطرح می‌سازد.

طرفداران سرسخت اصل اعمال تعدد قوانین پیشنهاد می‌کنند که در این موارد بند 2 ماده 4 قانون متحدالشکل اعمال گردد. پس قانون قابل اعمال قانون محلی خواهد بود که ذی‌نفع تعهد خود را در آنجا انجام داده است.<sup>101</sup> برخی دیگر به دلایل یاد شده عقیده به صلاحیت قانون

---

101. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1106.

واحدی دارند و این قانون، حسب نظر برخی، می‌تواند قانون محل صدور باشد،<sup>102</sup> و وفق نظر برخی دیگر، قانون محل پرداخت که به جهاتی قانون مرجعی تلقی شده است.<sup>103</sup>

البته برای اینکه دارندۀ برات بتواند طرح دعوی به عمل آورد، لازم است دین براتی مشمول مرور زمان نشده باشد. هرگاه دارندۀ برات در مواعد مقرر قانونی وظایف محوله را انجام ندهد، در پاره‌ای از موارد موجب سقوط حق مراجعه او خواهد شد،<sup>104</sup> انقضای مواعد در اثر قصور و غفلت دارندۀ برات، در ارتباط با هر یک از امضاکنندگان، مشمول قانون محلی است که تعهد او در آنجا انجام گرفته است. ولی مشکل زمانی به منصفه ظهور می‌رسد که عوامل مشکله فورس ماژور نسبتبه مورد مصداق پیدا کند. بدیهی است در صورت تحقق قوه قاهره یا فورس ماژور، دارندۀ برات از معافیت برخوردار خواهد بود.

---

**102.** در حقوق ایران به مواد 274 تا 290 ق. ت. ا. توجه شود.

**103.** LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 477.

**104.** BATIFFOL: Traité, No. 549.



مشکل دیگر مربوط به موضوع خسارت تأخیر تأدیه است که حسب قوانین کشورها جنبه، اقتصادی - سیاسی و یا حتی مذهبی به خود می‌گیرد<sup>105</sup> و از مقررات ویژه‌ای تبعیت می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که توافق دول امضاکننده پیمان ژنو بر این پایه استوار شده است که هر یک از دول متعاقد، عوامل مشکله فورس ماژور و نرخ خسارت تأخیر تأدیه سایر کشورها را محترم می‌شمارند.<sup>106</sup>

## 1. قوه قاهره یا فورس ماژور

41. چه قانونی حاکم بر قوه قاهره یا فورس ماژور است؟ قانون محل وقوع که نظر ابرازی انجمن حقوق بین‌الملل در سال 1885 بوده است امروزه دیگر طرفدارانی ندارد و حسب عقیده اجله علمای حقوق تجارت، ارزیابی قوه قاهره توسط قانونی

---

105. برای اطلاع از موضع حقوقی ایران در باب خسارت تأخیر تأدیه به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره 11316 مورخ 62/10/11، مجموعه قوانین سال 1362، صفحات 436 و 437 مراجعه شود.

106. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1118.

که امکان دارد بعید و کلاً نسبتبه دارنده برات و ظهرویسان بیگانه باشد، غیرمنطقی است.<sup>107</sup> قانون محل وخواست می‌تواند قانون صلاحیت‌داری تلقی شود و اگر فورس ماژور در ارتباط با وخواست یا اقدامات تأمینی باشد، می‌توان آن را حسب ماده 8 پیمان مشمول «قانون کشوری‌که در قلمرو آن وخواست باید تنظیم و یا اقدامات انجام شود» دانست.<sup>108</sup>

بالاخره، قانون حاکم بر هر یک از تعهدات براتی، با توجه به اینکه فورس ماژور مبنای مسئولیت مسئولان تضامنی را تغییر می‌دهد، می‌تواند صلاحیت خود را از بند 2 ماده 4 پیمان کسب نماید.<sup>109</sup>

دکترین جدید به جانشینی قانون محل وخواست و قانون محل اعلام تمایل نشان می‌دهد.<sup>110</sup> قانون محل وخواست از جهت اینکه بدانیم چه عاملی به‌عنوان عامل فورس ماژور مانع تنظیم وخواستنامه است صلاحیت دارد. قانون محل اعلام می‌تواند معلوم کند که آیا حامل اجازه دارد بدون

---

107. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1118.

108. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1118.

109. LYON- CAEN et RENAULT: op. cit., T. IV, No. 660.

110. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 478.

واخواست، طرح دعوي به عمل آورد و آیا باید وقوع فورس ماژور را به متعهدان برات اطلاع دهد و ضمانت اجراي چنین تعهدي چیست؟

به عبارت كلي، مسئله عبارت از این است که بدانیم وقتی فورس ماژور مورد قبول است، دارنده برات تحت چه شرایطی می‌تواند به متعهدان رجوع نماید و فورس ماژور اصولاً تابع چه قانونی خواهد بود تا حدود و ثغور و شرایط مسئولیت متعهدان براتی را تعیین کند.<sup>111</sup>

## 2. مرور زمان

**42.** دعاوي راجع به اسناد تجاري به ویژه برات و سفته حسب قاعده پس از انقضاي مهلتهای مقرر قانوني در محاکم مسموع نیست. معذک مسئله ای که در قلمرو بین المللی موجب بروز تعارض شده این است که آیا ممکن است پس از انقضاي مهلتهای مقرر قانوني حق مراجعه دارنده برات علیه متعهدان و یا طرح دعاوي راجع به آن محفوظ بماند؟ فی‌المثل، حسب مقررات ماده 319 ق. ت. ا. اگر وجه برات یافته طلب

---

111. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1118.

یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یافته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید. تبصره ماده مرقوم همین حکم را در مواردی که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر را فاقد باشد نیز جاری می‌داند.

دکترین صلاحیت قانون مقرر دادگاه را کلاً در این مورد نفي می‌کند.<sup>112</sup> برخی از مؤلفان حقوق تجارت عقیده به تفکیک موضوعات دارند و می‌گویند چنانچه حق از مصادیق حقوق براتی باشد، می‌توان آن را مشمول بند 2 ماده 4 پیمان ژنو دانست، در حالی که حقوق غیربراتی مشمول رابطه حقوقی قبلی است.<sup>113</sup>

برخی دیگر وجه تفکیک را مبتنی بر وجود محل برات می‌دانند و بر این نظرند که حق مراجعه دارنده برات که محل آن تأمین شده است تابع قانون محل صدور می‌باشد و این قانون کیفیت نقل و انتقال

---

112. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1112; LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 479.

113. ARMINJON: op. cit., No. 209.

محل را معلوم می‌کند و شرایط مراجعه دارنده برات در این مورد تابع قانون رابطه قبلی است. هرگاه برات فاقد محل باشد، نحوه مراجعات، مشمول قانون محل اعلام خواهد بود و این قانون مقرر خواهد داشت که آیا امکان مراجعه وجود دارد و نحوه سقوط آن چگونه است.<sup>114</sup>

### 3. و اخواست

**43.** حق مراجعه دارنده برات به متعهدان آن و طرح دعاوی ناشی از برات همواره با و اخواست ملازمه دارد. و اخواستنامه عبارت است از امر به تأدیه و احراز رسمی این واقعه که برات در موعد مقرر جهت قبولی و پرداخت وجه آن به براتگیر ارائه شده ولی او از قبول و پرداخت وجه امتناع ورزیده است.

ماده 8 پیمان ژنو «شکل و مهلت‌های و اخواست» را مشمول قوانین کشوری دانسته است که و اخواستنامه باید در قلمرو آن کشور تنظیم شود و به مرحله اجرا درآید. ماده 306 ق. ت. ا. نیز اعتراض و به‌طور کلی هر اقدامی را که برای حفظ

---

114. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1122.

حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارج باید انجام شود تابع قوانین مملکتی می‌داند که آن اقدام باید در آنجا به عمل آید.

اعمال قانون محل در مورد شکل و مهلت‌های و اخواست مشکلات عدیده‌ای باقی می‌گذارد. اولین مشکل پاسخ به این سؤال است که آیا و اخواست ضرورت دارد یا خیر؟ فی‌المثل، حقوق تجارت انگلیس برای بروات داخلی که در قلمرو این کشور صادر می‌شوند و قابل پرداخت هستند، ضرورتی به و اخواستنامه ندیده است،<sup>115</sup> و حال آنکه در حقوق تجارت فرانسه - مثل حقوق تجارت ایران - تنظیم و اخواستنامه ضروری است.<sup>116</sup>

به نظر طرفداران اعمال تعدد قوانین، و اخواست صرفاً یک دلیل محسوب نمی‌شود، بلکه شرط لازم حق مراجعه دارنده برات به متعهدان آن است. ضرورت و اخواست به حدود و ثغور هر تعهد ارتباط دارد و نتیجتاً

---

**115. J. MC LOUGHLIN:** Introduction to Negotiable Instruments, Butter Worths, London 1975, pp. 99 et Peg.

**116.** ماده 148 قانون تجارت فرانسه و مواد 280 و 295 ق. ت. ا.

به قانون قابل اعمال نسبتبه هر تعهد مربوط ميشود.<sup>117</sup>

طرفداران اعمال قانون واحد براي نظرند که و اخواست صرفاً نوعي تشريفات است که هدف از انجام آن، احراز قطعي عدم قبول و يا عدم پرداخت وجه برات ميشد، و به اين اعتبار، بايد تحت شمول قانون محل قرار گيرد.<sup>118</sup> مزايای عملي اين راه حل غيرقابل انکار است.<sup>119</sup> و بالاخره قيد معافيت و اخواست، حسب اصول قراردادي، تابع قانون حاکميت اراده خواهد بود و اين قانون اعتبار آن را معلوم ميشود. آثار معافيت و اخواست وفق مقررات پيمان ژنو مشمول بند 2 ماده 4 پيمان است.

#### 4. شرايط اعمال حق مراجعه

#### 44. ماده 5 پيمان ژنو ميشود:

«مهلتهاي اعمال حق مراجعه براي کليه امضاکنندگان به وسيله قانون محل انشاي برات تعيين ميشود».

---

117. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1108.

118. LEBREBOURG-PIGEONNIÈRE et LOUSSOUARN: No. 345.

119. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1108.

این راه حل به جهات عملی، استثنایی بر اصل وابستگی تعهدات بانکی است، ولی هر امضاکننده را وامی دارد تا در مورد مهلت‌های اعمال حق مراجعه که قانون محل انشای برات پیش‌بینی کرده است، اطلاع حاصل نماید.<sup>120</sup>

البته راه حل پیشنهادی پیمان مشکلات زیادی را باقی می‌گذارد که حسب مورد باید طبق قواعد کلی حقوق داخلی کشورها حل و فصل شود.

## 5. ابلاغ

**45.** چنان‌که در مبحث اعتراض ملاحظه شد در حقوق ایران در هیچ‌یک از مواد قانون تجارت ناظر به واخواستنامه، ذکر نه از تاریخ اعتراض و نه از تاریخ ابلاغ شده است. بنابراین، تاریخ واخواست تاریخی است که واخواستنامه در مراجعه صالحه ثبت می‌شود و مبدأ مهلت برای تقدیم دادخواست، تاریخ اعتراض است نه تاریخ ابلاغ واخواست.<sup>121</sup>

---

120. HAMEL, LAGARDE et JAUFFRET, op. cit., No. 1534.

121. مجموعه نظرهای مشورتی در زمینه مسائل مدنی، (از سال 1342 تا 1355)، اداره حقوقی وزارت دادگستری،



در قلمرو بین‌المللی نیز ضرورت ابلاغ و اخواست و شکل آن مطرح شده است. در حقوق انگلیس ابلاغ شرط اقامه دعوی دانسته شده است و حال آنکه در حقوق فرانسه عدم ابلاغ صرفاً ممکن است موجب بروز ادعای احتمالی ضرر و زیان شود.<sup>122</sup> ضرورت ابلاغ ظاهراً باید تابع قانون حاکم بر تعهد هر یک از امضاکنندگان باشد. این راه‌حل مبتنی بر تفسیری است که از بند 2 ماده 4 پیمان ژنو به عمل آورده‌اند.<sup>123</sup>

شکل ابلاغ قاعده‌تاً وفق مقررات ماده 8 پیمان مشمول قانون محل است. از این‌رو حسب نظر برخی از مؤلفان حقوق تجارت «ابلاغی‌که تحت شرایط و در مهلت‌های مقرر قانون محل صورت گرفته برای حفظ حقوق دارنده برات علیه متعهدان آن کافی است».<sup>124</sup>

با ابلاغ و اخواستنامه، دارنده برات در واقع رسماً امر به تأدیه می‌کند. پس

---

انتشارات دفتر تحقیق و مطالعات وزارت دادگستری، ص 24 به بعد.

122. LOUSSOUARN-BREDIN, op. cit., No. 782.

123. LESCOT-ROBLOT, op. cit., No. 1112.

124. LESCOT-ROBLOT: op. cit., No. 1112.

پرداخت وجه برات متضمن هیچ مسئله‌ای نخواهد بود؛ ولی هرگاه دارنده برات مبادرت به صدور برات رجوعی نماید، حق استفاده از صدور برات رجوعی علی‌القاعده نسبت به هر امضاکننده برات، تابع محل اعلام خواهد بود.<sup>125</sup>

و بالاخره هرگاه پرداخت مستلزم اقدامات قضائی باشد این‌گونه اقدامات، حسب اصول کلی، مشمول قانون مقر دادگاه خواهد بود و طرق اجرایی نیز نمی‌تواند تابع قانون محلی جز قانون کشوری که این اعمال قضائی در قلمرو آن به عمل می‌آید، باشد.

#### 6. مهلت طرح دعوی

46. گفته شد که مهلت مراجعه تابع قانون محل انشای برات است. به موجب ماده 5 پیمان ژنو قانون محل واقعی انشای برات، جز در مورد اثبات خلاف، محلی است که در برات قید شده است. این راه حل عاری از پاره‌ای اشکالات نیست. حسب عقیده برخی،<sup>126</sup> ماده 5 مرقوم فقط به مهلت‌های

---

125. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 483.

126. LEACOT-ROBLOT: op. cit., No. 1114.

حق مراجعه نظر دارد و مربوط به مهلت طرح دعوای دارنده برات علیه براتگیر و متعهد سفته نیست و این موضوعات مشمول قانون پرداخت می‌باشد. این راه حل مستلزم تجزیه و تحلیل دقیق ماده 5 پیمان است و بدون اشکال به نظر نمی‌رسد. بر این مبنا به نظر برخی قانون محل انشای برات، حسب مقررات ماده 5 پیمان، نه فقط باید حاکم بر مهلت‌های مقرر برای حق مراجعه باشد بلکه باید مهلت‌های مرور زمان را معلوم کند.<sup>127</sup> این راه حل مستلزم فواید عملی است و با اراده طرف‌های برات نیز سازگاری دارد.

---

127. LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 483.

128. اسامی 29 دولت که پیمان‌های ژنو را امضا کرده‌اند: آلمان (قانون 21 ژوئن 1933) ف اطریش (قانون 18 اوت 1932)، بلژیک (تصویب‌نامه قانونی 25 اوت 1933 و قانون 10 اوت 1953)، برزیل (تصویب‌نامه 26 اوت 1942، 8 سپتامبر 1964، 24 ژانویه 1966)، دانمارک (قانون 23 مارس 1932)، فنلاند (قانون 31 اوت 1932)، یونان (قانون 17 اوت 1931 و مارس 1932)، ایتالیا (تصویب‌نامه قانونی 25 اوت 1932 و 14 دسامبر 1933)، ژاپن (قانون 14 ژوئیه 1932)، لوکزامبورگ (قانون 8 ژانویه 1962 و 15 دسامبر 1962)، مناکو (قانون 25 ژوئیه 1934)، نروژ (قانون 27 مه 1932)، هلند (قانون 25 ژوئیه 1932)، لهستان (قانون 28 آوریل 1934)، پرتغال (تصویب‌نامه قانون 29 مارس 1934)، سوئد (قانون 13 مه 1932)، سوئیس (بخشنامه فدرال 8 ژوئیه 1932)، اتحاد جماهیر شوروی قانون (7 اوت 1937) ر. ش. به:

## 7. خسارات

47. خواسته دعاوي راجع به برات، مشمول بند 2 ماده 4 پیمان ژنو است. بنابراین قانون محل اعلام (مثل ارسال اظهاریه) تعیین خواهد کرد که آیا در صورت امتناع براتگیر از تأدیه وجه برات، ضامن تعهد پرداخت دارد و در صورت عدم پرداخت، علاوه بر تأدیه مبلغ اصلی برات، متعهد پرداخت خسارت تأخیر تأدیه و سایر مخارج نیز هست یا خیر؟ این راه حل غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد، ولی در برخی از موارد به نتایج غیرمنتظره‌ای منجر می‌گردد، از جمله اینکه دارنده برات، حسب مورد و اینکه علیه کدام یک از امضاکنندگان طرح دعوی به عمل می‌آورد، خواسته وی متضمن مبالغ مختلف خواهد بود.<sup>128</sup>

---

ARMINJON et CARRY: op. cit., No. 479; LOUSSOUARN-BREDIN: op. cit., No. 484.